

## ارزیابی موادی از قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با سنجه های جرم شناسی پست مدرن محسن رضائی

وکیل پایه یک دادگستری شیراز و دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد گروه حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ممسنی

### چکیده

**زمینه و هدف:** سیر رویکردهای نظری در تبیین جرم در گستره تاریخی حاکی از تنوع برداشت ها از مفهوم جرم می باشد. در دهه ۱۹۸۰ در پرتو اندیشه فیلسوفان فرانسوی و آلمانی جنبش پست مدرن، با خوانش جدید از مفهوم جرم در حقوق کیفری، جرم را عمدتاً برساخته نظام سیاسی و فرهنگی حاکم و با انتقاد به ناکارآمدی حقوق کیفری مدرن، به رد علت شناسی علمی و عقلانی، نقد عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم، ارزیابی متفاوتی از مفهوم جرم ارائه دادند. مهمترین سوالات در این زمینه، بازخوانی مفهوم قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری در چارچوب و بر مبنای پیش فرض ها و انگاره های پست مدرن چگونه تصویری از جرم ترسیم می کند؟ مهم ترین پارادایم های نظری پست مدرن در حوزه مطالعه جرایم کدامند؟ اگر جرم وجود دارد مبنای تقسیم بندی و حوزه بندی و تفکیک آنها به جنحه و جنایت و خلاف چیست؟ تعریف قانون مجازات اسلامی توضیح نمی دهد چرا انواع خاصی از رفتارها جرم تلقی می شود و بوسیله قانون قابل مجازات اعلام می شود، در حالیکه رفتارهای مشابه و حتی مساوی غیر مجرمانه تلقی می شوند و تبعاً غیر قابل مجازات می باشند. مفاهیم مجرمانه در تفکر پست مدرن تا چه اندازه با موازین جرم انگاری در قانون مجازات اسلامی وجوه افتراق و اشتراک دارد؟

**روش پژوهش:** مطالب گرد آوری شده بر اساس مطالعات کتاب خانه ای، فیش برداری، تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گرفته است. استفاده از رسالات و مقالات پژوهشی و کتب حقوقی در این زمینه نیز بهره فراوانی گرفته شده است.

**یافته های پژوهش:** یافته های پژوهش موید این موضوع است که حقوق کیفری پست مدرن وجوه افتراق و اشتراک زیادی با موادی از قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دارد که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار می گیرد. برآمد حاصل از قرائت پست مدرنیستی از جرم در پرتو مولفه های قدرت، ذهنیت، گفتمان و نفی فرا روایت ها، به رغم غرابت و صعوبت، بلحاظ نقد عملکرد نهادهای نظام عدالت کیفری و مفاهیم بنیادین حقوق کیفری حائز اهمیت فراوانی برای گفتمان مفاهیم مجرمانه است؛ چرا که تمامی جهت گیریهای ما در حقوق کیفری در نوع تعریفی است که از جرم ارائه می دهیم. گستره ی حقوق کیفری شاهد قرائت های گوناگون از مفاهیم مجرمانه است اعم از قرائت کلاسیک، مدرن و پسامدرن می باشد. تفاوت قرائت پسامدرن با سایر قرائت ها در ذهنی، نسبی، متکثر، تکه پاره و بسته به زمان و مکان بودن آن است؛ در حالیکه سایر خوانش ها رویکردی عینی، عقلانی، ذاتی و طبیعی دارند. بنابراین حقیقتی ذاتی در مفاهیم مجرمانه در قرائت پست مدرن وجود ندارد؛ بلکه مفهوم جرم صرفاً مصنوع سیاسی، اجتماعی یا زبانی و رسانه ای تلقی می شود. یافته ها نشان دادند که قانون مجازات اسلامی ایران با جرم شناسی پست مدرنیته فاصله زیادی دارد، چرا که بیشتر مواد قانون مجازات اسلامی بر فراروایت قانون و شرع مقدس استوار است. یافته ها نشان دادند که "حد"، "قصاص" و "دیه"، بیشترین تمایز و "تعزیرات" بیشترین همخوانی را با جرم شناسی پست مدرنیته دارد. در جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیه چون که با صراحت در قانون شرع بر آن تأکید شده و غیر موقت و غیر قابل تغییر است، و به سمت تمرکزگرایی، مطلق گرایی و عینی گرایی است، در نتیجه کاملاً با نگرش پست مدرنیته مغایرت دارند.

**واژه های کلیدی:** جرم، پست مدرن، آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی

## مقدمه

تمام جهت گیری های ما در حقوق کیفری و جرم شناسی و سیاست جنایی و آیین دادرسی کیفری در پرتو تعریف و تبیینی است که ما از جرم و جنایت ارائه می دهیم. بر این اساس، کیفر نامناسب یا جرم ارتكابی، همواره دغدغه مجریان عدالت کیفری بوده و هست. (ابرنادآبادی، ۱۳۹۰: ۹۱) جرم شناسی پست مدرن<sup>۱</sup> با رد عقلانیت و تکیه و تاکید بر ذهنیت، گفتمان و قدرت به تبیین پدیده مجرمانه می پردازد. این بینش فکری، جرم و قانون کیفری را یک ساخت بندی اجتماعی و سیاسی آنهم در پناه قدرت حاکم تلقی کرده که رسانه های جمعی بطور فزاینده ای در شکل گیری آن نقش دارند (هیگس، ۱۳۹۱: ۳۷). حقوق کیفری پست مدرن، عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم را مورد نقد قرار داده و معتقدند امروز جرایم شکل مادی صرف به خودگرفته و اصل قانونی بودن جای خود را آیین نامه ای شدن داده و جرایم صنفی شده است. (نایجیلی ۱۳۷۶: ۳۹۲). روند آیین نامه ای و اداری شدن در جهت عقب نشینی حقوق کیفری و ترقیق قانونمندی و خروج از عدالت کیفری به سمت عدالت ترمیمی است. (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۸) آنچه مسلم است این که ماهیت حقوق کیفری پست مدرن، پیچیده، ذهنی، میان رشته ای و بسیار دامنه دار است حتی هیچ اتفاق نظر و اجماعی میان نویسندگان پست مدرن وجود ندارد و گاه از یک نوع «درون تناقضی» نیز برخوردار هستند. (حسن، ۱۳۸۴: ۵۴) بلحاظ اینکه پسانوگرایی جنبش فکری یکپارچه ای نیست که هدف و زاویه ی مشخصی داشته باشد و نظریه پرداز و سخنگوی واحدی هم ندارد بررسی مفهوم جرم در لابلای این تفکر تا حدود زیادی مشکل و پیچیده است (Longstreet, 2003: 11-15).

واژه ی پست مدرن بلحاظ ادبی گویای دورانی بعد از مدرنیته است که از ترکیب واژه «پست» به معنای «بعد»، «مدرنیسم» به معنای «تجددگرایی و نوگرایی» می باشد. (مهاجری، ۱۳۸۸: ۲۵۳). اینان با تاکید به برابری حقوق ذاتی همه انسانها و جلوگیری از محرومیت دائمی از حقوق اجتماعی شهروندان، احتراز از هرگونه تبعیض نژادی، قومی، مذهبی و جنسیتی در جرم انگاری، به رسمیت شناختن اقلیت ها و حقوق آنها، برخورد جدی با جرایم مسئولین دولتی و یقه سفیدها و سلب مصونیت از آنها، نفی مطلق گرایی و با اعتقاد به نسبیت و تکثرگرایی آفرایت جدیدی در مفهوم و ارکان جرم بوجود آوردند و از این جهت نظام های هنجار ساز را مورد نقد قرار می دهند (Henry & Lanier, 2004: 319). با این توصیفات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ترمیمی، ترقیقی و مدنی کردن حقوق کیفری، گام هایی برداشته است، از جمله ماده ۶۶ با تاکید بر سازمانهای مردم نهاد و ماده ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ ق.ا.د.ک در بحث میانجگری ها و قانون کاهش جرایم و مجازات های تعزیری مصوب ۹۲- که خروج از دگماتیسم کیفری و پذیرش نسبیت است- گامی در ترقیق و تلطیف حقوق کیفری به اعتبار مصالحه و میانجگری و همنوای با جرم شناسی پسانوگرایی است؛ هرچند در برخی موارد تفاوت های جنسیتی و دینی و نژادی این قانون همچنان پابرجا و مخالف اندیشه ی پسانوگرایی است. (ساقیان، ۱۳۹۴: ۶۴) اساسا این تفکر که «فلسفه عدالت سزاگرایی، ناظر است بر مجازات مجرمین به خاطر اینکه سزاوار آن هستند» (صفاری، ۱۳۹۹: ۳۶۷) با اندیشه ی پسانوگرایی در تعارض است؛ چرا که حقیقت مجرمانه در مشی پست مدرن؛ نسبی، ترک خورده، تکه پاره، متکثر، محلی، بومی و بدور از هرگونه عامیت و جهان شمولی است و هیچ چشم انداز و حقیقت مطلقی در جهان وجود ندارد. ممکن است امری امروز ارزش و فردا بعنوان یک ضد ارزش و جرم انگاری شود و یا از منطقه ای نسبت به محله ی دیگر دارای ارزش گذاری متفاوتی باشد. از اینرو هر نوع چشم اندازی به جهان تنها بخشی از جهان را تحلیل می کند. مطالعات ما نشان داد رویکرد قانون فعلی حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری

<sup>۱</sup> Postmodern criminology

<sup>۲</sup> Pluralism

ایران در مقایسه با قوانین سابق بر آن، نقشی مشارکت محور و فعال بدون دگماتیسم حقوقی برای بزه دیده در مسیر تحقیقات مقدماتی لحاظ نموده است. افزایش نقش و جایگاه بزه دیده در فرایند کیفری به عنوان یکی از نتایج ظهور و گسترش بزه دیده شناسی حمایتی یاد می شود که در قانون کاهش جرایم تعزیری نمود قابل توجهی داشته است. (اختری، ۱۳۸۹: ۲۶) اندیشمندان پسامدرن در مفهوم نسبیت تا جایی پیش می روند که یکی از نظریه پردازان این مکتب معتقد است؛ تفاوت یک دانشجوی انگلیسی تا یک دانشجوی اسکاتلندی بیشتر است تا یک مجرم و ناکرده بزه. پس مجرمیت خصوصیت ذاتی یک رفتار نیست و امروز باید بجای جرم انگاری از یک مرکز واحد به بومی گری و تصمیم سازی محلی اهتمام ورزید؛ چراکه تنوع سرزمینی مستلزم تنوع قانونگذاری است. پس جرم انگاری که برای یک ایالت خوب است نمی تواند قانون خوبی برای سایر ایالت ها باشد. (عبدالفتاح، ۱۳۹۱ : ۱۳۶-۱۷۰) با توجه به پیشگفته در این مقاله برانیم، به ارزیابی مولفه های پسانوگرایی بپردازیم سپس مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را با آن مقایسه کنیم.

### ضرورت طرح بحث

با وجود ذهنی بودن آورده های تفکر پست مدرن، می توان اهداف مورد ترسیم در بعد عملی و کاربردی پژوهش در پیش روا حوزه تقنینی و اجتماعی، این گونه مطرح کرد:

اول: از فوائد تفکر پست مدرن در حوزه تقنینی و قانون گذاری با رد مفروضات قانون گذاری در جرم انگاری و یا پذیرش حداقلی آن می باشد. بعنوان نمونه پذیرش این فرض که هر زمان مرد بخواهد از همسر خود استمناع کند و نفقه شامل او نمی شود و یک نوع جرم انگاری تعبدی است که با منع جدی ازسوی سازمانهای بین المللی مواجه است. تردید و رد این نوع جرم انگاری را حتی در حقوق بشر مورد تردید می - داند. همچنین مفروض اعلام کردن سن مسئولیت کیفری بدون توجه به اوضاع و احوال و شرایط جغرافیایی زیست افراد؛ مورد نقد صریح و بی پرده تفکر پست مدرن در جرم انگاری است. همینطور اجبار به گرفتن وکیل مدافع در جهت تحقق زبان و ادبیات خاص دادگاهی در دفاعیات که مانع بروز ظهور واقعیات و تجارب زندگی اجتماعی است.

دوم: تلاش برای رسیدن به تصویری خام و آینه وار از قانون بدون خصیصه جانبدارانه و گزینشی که در پناه قدرت شکل گرفته است. در واقع جرم انگاری براین تعامل دو سویه شهروندان و است. قانون باید برگرفته از وجدان جسمی - یا حداقل نه در تقابل با آن- و منبعث از لایه های زیرین تفکر شهروندان باشد. قانون تحمیل عقیده ما یک گروه بر گروه دیگر در اجتماع نیست و به زبان آزادی خواه فرانسه، روسو، که "مهمترین همه قوانین آن نیست که بر لوح سنگی با تخت فلزی نوشته شده باشد بلکه مهمترین قوانین آن است که بر قلب شهروندان نقش بسته است. (روسو، ۱۳۸۴: ۹۴) تحولات قانونی جرم انگاری یقه سفید در خلال دهه های بعد از انقلاب تغییرات نامتوازی را تجربه کرده است. در برخی از دوره ها واکنش بسیار خفیف بوده و در برخی از زمانها شدت وحدت قابل توجهی داشته است علت این تحولات جرم انگاری یقه سفید اعم از پولشویی بر اخلاالگران در نظام اقتصادی و... را شاید بتوان بر شکل دهی و گفتمان ناظر بر عملکرد قوای دولتی باز تعریف کرد. پس جرم حاصل قانونی است که قانونگذاران متأثر از قدرتمندترین بخش جامع انجام می دهند و اساساً "جرائمی که دولت ها انجام می دهند در لیست بزه های قابل مجازات قرار نگرفته است و معمولاً" زندانها در طبقات زیرین جامعه تشکیل شده اند.

سوم: گزاره ها، عقلانیت، آزادی، دموکراسی، جرم انگاری و حقوق بشر در تفکر پست مدرن نظریه واحد نداریم و هر تمدن تجربه ناب خود را دارد که متوجه به همان موقعیت زمانی مکانی است. از این رو جنگ با کلی نگرایی و نقد کثرت گرایی و کنار گذاشتن عاملیت به اصالت تفکر بومی، محلی و جزئی و عملی صحنه می گذارد. با این پیش گفته قانون خوب برگرفته از روح

یک سرزمین، منطقه با مدنظر قرار دادن، ویژگی های جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و شرایط زمان و مکان است. پس جرم، یک امر وارداتی نیست و اگر قانون را از اروپا وارد ایران کردیم تجربه نابی نخواهد بود. به قول فیسکتو عجیب ترین واقعه تاریخ این است که قانون کشوری برای کشور دیگر مناسب باشد وارد کردن قانون تجارت ایران از بیش از یک بعد از چند دهه موفقیت خوبی را تجربه نخواهد کرد و اگر قرار است شرب خمر جرم انگاری شود لازم است در باب اجتهاد و قوه عقلانیت به جرم انگاری آن اهتمام ورزیم نه اینکه تجربه کشور دیگری باشد. در این مهم به استناد فهم، از تفکر پست مدرن ضروری است جرم انگاری از فیلتر اجتهاد عبور کند و در پناه اقتضائات زمانی و مکانی به جرم زدایی رسمی اهتمام ورزیم.

چهارم: به تفکر پست مدرن در جهت باز خوانی اصول اولیه طرق و جرم انگاری با شعار تساهل آراء تسامح اندیشه ها است؛ پس پیشکسوت نوعی پیام برابر بر فرهنگی نه نژادی، قومی، زبانی، دینی و سیاسی و... است. با این گفته جرم انگاری حقوق کیفری در تفکر پست مدرن نباید حاوی تفکیک جنسیتی، دینی، قومی، نژادی و... باشد. برابری زن و مرد در جرم انگاری؛ مسلمان و غیر مسلمان با برده و آزاده بر سیاه و سفید، باید لحاظ گردد.

پنجم: احتراض و دوری از انحراف ثانویه شهروندان در پناه قدرت برچسب زنی، بخش عمده جرایم در فرایند تعامل و واکنش اجتماعی و قدرت شکل می گیرد. حاکمیت در شکل دهی هویت کجروانه شهروندان نقش اساسی دارد و عملاً به استخدام مجرمین اهتمام می ورزد. لازم است واکنش های جامعه نسبت به شهروند از طریق سیستم دادگستری شده و هدفمند شود تا انحراف ثانوی و مجرم پروری ایجاد نشود. بنا به تعریف پست مدرن جرم از نگرش محلی و بومی برخوردار است و نهادهای محلی و کدخدانمنشی به دور از قدرت حاکم می توانند در عقب نشینی طرق کیفری و زایل شدن وصف های مجرمانه و نهایتاً "انگ های مجرمانه نقش بی بدیلی داشته باشد. این رویه که ظهور نوعی عدالت ترمیم است به تورم زدایی موسع از حقوق کیفری منجر خواهد شد و زمینه جامعه سالم بدون برچسب های مجرمانه را خواهد داشت.

ششم: کاهش مسلط زبانی در سیستم دادگستری در صدور احکام از خصیصه ای تفکر پست مدرن می باشد. بدین معنا ضرورتی ندارد که مدنی بها از طریق وکیل مدافع یا زبان خاص دادگاهی دفاعیات خود را انجام دهد چرا که "اولاً" زبان خاص دادگاهی مانع بروز و ظهور واقعیات اجتماعی می گردد ثانیاً " کسانی که قدرت بیانی و نفوذ کلام قوی تر و وکیل توانمندتر مسیر دادگاه را به نفع خود تغییر می دهد و اساساً " احقاق حق صورت نمی گیرد. استناد دادگاه بیانات و دفاعیات کتمر و توجه سایر ادله بیشتر شود. تعریف جرم در دادگاه همیشه در پناه قدرت زبانی تغییر می کند چرا که "اولاً" افراد در بیان وقایع با هم متفاوتند ثانیاً " شاهد، متهم و دادستان تلقی یکسانی از وقایع ندارند و خود به خود صدور حکم به سمت قدرت زبانی برتر است.

### ۱. مولفه های جرم شناسی پست مدرن در ساختار جرم

مولفه های پست مدرن ها در ساختار جرم عبارت از: ۱- ذهنیت؛ ۲- قدرت ۳- زبان ۴- نفی فرا روایت ها-۵- رسانه های جمعی می باشد. از این میان، به فراخور نیاز برای بازخوانی مفهوم جرم، این مبانی بررسی می شوند.

#### ۱-۱. جرم بر ساخته قدرت

زعمای پسانوگر، دولت محور بودن امنیت را یکی از عوامل ناامنی می دانند. مطلق بودن حاکمیت دولت در ایجاد امنیت و عدم توجه به نسبی بودن این مفهوم و عدم واگذاری بخشی از این امنیت به مردم باعث ایجاد ناامنی شهروندان جامعه است. همینطور شالوده گرایی و ذات کیفری قایل شدن برای دولت و حاکمیت و عدم توجه به شهروندان در وضع و تدوین قوانین و یا اعمال نظر در این خصوص یکی از عوامل جرم زایی و وهن قوانین خواهد بود. (یزدانی و خدابنده، ۱۳۹۰: ۴۴) اینان فائلدن مفاهیم و ساختارها توسط خود ما ساخته می شوند و بر خود ما حکومت می کنند و وجاهت و مشروعیت بخشیدن به آنها در

یک گفتمان مسلط بوجود می آید. قدرت و حاکمیت سیاسی از مهمترین مولفه های پست مدرن در تعریف جرم است. دولت ها اغلب از قدرت خود در جرم انگاری و جرم زدایی استفاده می کنند. از نظر جرم شناسان پست مدرن، "جرم" محصول استفاده از قدرت توسط طبقات حاکم برای محدود کردن رفتار افرادی است که در قدرت و تاثیر گزاری سیاسی نقشی ندارند؛ اما سعی در غلبه بر نابرابری های اجتماعی دارند و به گونه ای رفتار می کنند که ساختار قدرت محدود شود این افراد اپوزیسیون، دگرخواهان و دگرزیست فکری سیاسی هستند که حاکمیت در پناه جرم انگاری سعی در انسداد و وقفه فعالیتهای آنها را دارد. (Carrington, 1998: 2) پست مدرنها جرم را ماحصل قانونی می دانند که قانونگذاران تحت تأثیر قدرتمندترین بخش جامعه تدوین میکنند؛ موید این ادعا جرایمی که دولت ها انجام می دهند هیچگاه در لیست بزه های قابل مجازات و مجرمان قرار نگرفته است. در ارتباط با دخالت دولت ها در امر قانونگذاری حقوقدان شهیر «ویشنسکی» در زمان استالین نقل شده است که بیان میکند: «قانون برای فرد در مقابل دولت نیست؛ بلکه برای حمایت از دولت علیه فرد است» (موریس دورگر، ۱۹۶۳: ۴). هیچ تعجیبی ندارد که ترکیب زندانها از افرادی است که لایه های زیرین اجتماع و یقه چرکین ها و حاشیه نشین ها می باشد (نایجیلی ۱۳۷۶: ۳۹۲)

## ۱-۲. جرم برساخته ی بازتاب رسانه ای

بی تردید اخبار نوشتاری، شنیداری دیداری نقش مهمی در ارائه تصویر جرم به مردم و توسعه سازمانهایی مانند پلیس در جامعه دارند. رسانه ها همچنین تأثیر مهمی در چگونگی شکل گیری افکار عمومی در مورد جرم و بزهکاری ایفا می کنند. با مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه پوشش رسانه ای جرم، نشان دهنده ی کنش و واکنش پیچیده میان نمایش رسانه ای جرم، رفتار مجرمانه و عدالت کیفری است. بی تردید شواهد و دلایل محکمی در زمینه تأثیر پوشش رسانه ای جرم بر رفتار مجرمانه دارد که به نوعی همزیستی روبه رشدی میان تصاویر رسانه ای، بزهکاری و عدالت کیفری ایجاد شده است. (کاظمی، ۱۳۹۴: ۸۷) زعمای پست مدرن در قرائت خود از جرم شناسی رسانه ای، جرم را بر ساخته نظام فرهنگی- سیاسی و قدرت حاکم می داند که رسانه های جمعی بطور فزاینده ای در شکل گیری آن نقش دارند. (هنری، ۲۰۰۹: ۲۰۱)

پست مدرنیسم با اعتقاد و باور به اینکه جرم بر ساخته نظام قدرت و حاکمیت فرهنگ برتر است، رسانه ها را یکی از عوامل مهم در این راستا می دانند. بویژه اگر رسانه ها، تریبون ها، مطبوعات و... در دست قدرت حاکم باشد. رسانه ها با انعکاس اخبار مربوط به پدیده جنایی نگرش خاصی را به مردم تحمیل می کنند و چگونگی قضاوت آنها را درباره جرم و عدالت کیفری سامان می بخشند. (فرجیها، ۱۳۷۶: ۸۷) رسانه های گروهی بدلیل برخورداری از این ظرفیت یکی از ابزارهای مؤثر برای کنترل نهادها و جریان های قدرتمند و بانفوذ تلقی می شوند. پس رسانه ها قدرت ساخت جرم یا جرم انگاری را نیز دارند. پست مدرن ها مخالف این موضوع هستند و بر این باورند که رسانه ها نباید خود را قیم مردم بدانند و ذهنیت شهروندان را در رفتارهای مختلف طبقه بندی و ترسیم کنند (رحمانیان، ۱۳۷۸: ۶۲-۷۸).

بنابراین رسانه ها می توانند عامل جرم انگاری باشند و همچنین عاملی که به نظام قدرت حاکم مشروعیت ببخشد و یا از مشروعیت خارج کند؛ اما اصولاً رسانه ها در جهت توجیه رفتارهای حاکمیت و در خدمت آنها و در مسیر جهت دهی افکار عمومی و اقتناع وجدانی آنها از رفتارهای حاکمان و حاکمیت هستند (دلماس مارتی، ۱۳۸۱: ۳۰۵-۳۰۴).

<sup>۳</sup> - از این حیث، جرم تنها حاصل یک طبقه بندی رفتار است که منافع و ارزش های گروه صاحب قدرت را تضمین یا منعکس می کند.

‡ newsmajing criminology

## ۱-۳. جرم بر ساخته ذهنیت (به جای عینیت)

به اعتقاد طرفداران این مکتب، هر فرهنگ برای قضاوت در مورد حقیقت، معیار خاص خود را دارد، که ذاتاً بر فرهنگ دیگر برتری ندارد و ساختار ارزشها، که در قانون منعکس شده است، در طول زمان تغییر می کند و به شدت تحت تأثیر بافت فرهنگی آن نظام های ارزشی می باشد به عبارت دیگر، قواعد و هنجارها و ارزشهای اجتماعی، قراردادی هستند و حقیقت فاقد مفهوم عینی است (Druzin, 2012: 41-56). حقوق مدرن بر مفهوم عقلانیت تجربی به عنوان ارزش استوار است پست مدرنیسم شناخت حاصل از عقل تجربی را معتبر نمی داند. (شهابی، ۱۳۹۲: ۶).

به باور کانت جهانی که در آن به سر می بریم و ادراکش می کنیم، به کیفیات ذهن مدرک وابسته است، نه اینکه وجودی مستقل از آن داشته باشد. به تعبیر کانت، حقیقت «تنها در مغز ما» وجود دارد (هیکس، ۱۳۹۱: ۵۳).

نیچه، حقیقت را افسانه ای می داند که ساخته ذهن بشری است و مجرم و همنا صرفاً مصنوعات ذهنی بشری هستند به باور وی، هرگونه بینشی مبتنی بر حقیقت صرفاً تفسیر یا برداشتی است منبعث از خواست قدرت (نیچه، ۱۳۸۵: ۱۶۵-۱۶۶). از این منظر، هر نگاهی به جهان، ناگزیر از خلال چشم اندازی خاص می نگرد. از آنجا که هر چشم اندازی تنها دریچه ای به بخشی از حقیقت جهان است، هیچ نگاهی نمی تواند مدعی شناخت مطلق یا برتری نسبت به سایر نگاه ها باشد (واربرتون، ۱۳۹۱: ۱۷۵-۱۷۶). به عبارت دیگر، در بینش چشم انداز باوری هیچ ترجیحی برای برتر دانستن یک چشم انداز نسبت به سایر چشم اندازها وجود ندارد. نسبت به این معنا است که ارزش ها، باورها، اخلاق و حقیقت و حتی جرم جملگی اموری نسبی و احتمالی و شخصی اند، نه مطلق، ضروری یا جهان شمول، این بدان معنا است که هر نوع ادعایی تنها در نسبت با ادعایی دیگر صحیح است و هیچ ادعایی نمی تواند مطلقاً صحیح باشد (وارد، ۱۳۹۲: ۲۸۷) پس رفتار مجرمانه و یا غیر مجرمانه تنها ذهنیت ما در جامعه ای است که در آن زندگی میکنیم و تغذیه آن از طرف قدرتمندان است. در جامعه ای همجنس بازی آزاد و در جامعه ای دیگر نتیجه ی چنین رفتاری، مرگ است. مهم ترین ارمغان ذهنیت برای اندیشه پست مدرن، همانا نفی «حقیقت بنیادین»<sup>۷</sup> به عنوان و اساس نظام فکری مدرنیسم است. در اندیشه پست مدرن، حقیقت صرفاً «برساخته ای ذهنی» است نه امری عینی و بیرونی. (کاظمی، ۱۳۹۴: ۲۱). این دیدگاه پسانوگراها با مفروضات و حدود الهی در تعارض است.

## ۱-۴. جرم بر ساخته زبان (به جای حقیقت)

از دیدگاه جرم شناسان پست مدرن، قانون کیفری تجلی زبان مسلط طبقه حاکم است. نهاد دادگستری از مجرای قوانین و ایجاد ممنوعیت ها و محدودیت ها، مجری خواست طبقه ی مسلط است (نوذری، ۱۳۷۹: ۶۶-۶۸). یعنی نهاد دادگاه جنایی که با به نمایش درآوردن محاکمات، که جامعه از طریق آن به بازسازی ارزشهای اساسی خود اقدام می کند، اساساً بر یک زبان مسلط تکیه دارد. جرم قبل از قانون وجود نداشته است و قانون، کاشف جرم نیست؛ بلکه واضع جرم است (بست، ۱۳۷۲: ۱۰۴). بزعم اینان همان اندازه قوی ترین علوم آزمایشگاهی در مورد یک قضیه میتوانند درست اعلام نظر کنند که یک دعانویس هندی..... ویتگنشتاین فقط بازی های زبانی مختلفی وجود دارد که براساس آن به برخی پدیده ها صرفاً با واژگان و زبان، معنایی را نسبت می دهیم. این موضوع بدین معناست که چیزی به نام جرم طبیعی وجود ندارد (Morrison, 16 : 1995).

‡Subjectivity

‡ Perspectivism

‡ Deep truth

در نتیجه این در جای دیگر بودن متن، معنای آن را با تکثیر پیوند می زند از اینرو وقتی معنای جرم را در متن اجتماع بررسی میکنیم بهتر است این مفهوم را به زبان محلی تفسیر کنیم واز یکسو نگرشی وجهت دار بودن این مفهوم دست برداریم (آقایی، ۱۳۸۸: ۵۲). این همان نگاهی است که فیلسوف اسپانیایی، ارتگاگاست بدان قائل بود: یعنی به اندازه دیدگاه هایمان، حقایق وجود دارد. این نگرش در خصوص برداشت از جرم نیز بی تأثیر نیست (ریفکن، ۱۳۸۳: ۸۰). در حقوق کیفری این سوال راجع به روایتها پیرامون وقوع جرم پیش می آید؛ آیا این داستانها و روایتهایی که بواسطه شهروندان، شاهدان، گزارشات روزنامه ها، که در گزارش یک جرم و گردآوری شده در یک پرونده تأثیر گذار می باشد؟ هر شاهد جرمی اظهارات خود را بر مبنای دید شخصی اش و حقایق را بر پایه خواسته ها و امیال خود بیان می کند. (کاظمی، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۶).

در اندیشه بارت، همه متن ها بینا متنی هستند. هیچ متنی از خلأ خلق نمی شود، بلکه همواره با ارجاع به متون دیگر ساخت می یابد. بارت این مطلب را با گزاره ای شیوا بیان می کند: «این زبان است که سخن می گوید، نه مؤلف» به باور وی، خواننده حین مواجهه با متن و خوانش آن، خود به مؤلف بدل می شود و مرگ مؤلف را رقم می زند. بنابراین حتی قاضی هم در تفسیر زبان قانونگذار ممکن است متنی تازه خلق کند (استراترن، ۱۳۸۹: ۳۱). اختیاراتی که قانونگذار در بایگانی کردن پرونده و معامله اتهامی و ارجاع برای توافقات اصحاب دعوی در مواد ۸۰-۸۱-۸۲-ق.آ.د.ک. صادر می کند، بر پایه ی ساختار زبانی و تنوع برداشت ها و گفتگوهای جلسه ی رسیدگی است که بر اساس مولفه ی زبان در قانون شکل گیری شده است.

#### ۱-۵. نفی فرا روایت ها

پدر پسانوگرایی، لیوتار، نفی فرا روایت ها و اصول را شاخصه و مؤلفه اصلی پسانوگرایی می داند. فراروایت به معنای هر کوشش نظری برای یافتن اصل یا قواعد کلی حاکم بر روابط بشری و فعالیت های اجتماعی است. بعبارت دیگر پسانوگرایان با هر گونه مرکزگرایی و اصول گرایی مخالفند و به هیچ حقیقت مطلق و ثابتی اعتقاد ندارند و هیچ اصلی و اصولی را نمی پذیرند و با احترام گذاشتن به تفاوت فردی و فرهنگی به حیات و زندگی بشری تنوع می بخشیم همانطور که لیوتار می گوید: «کار ما عرضه حقیقت نیست، اجازه دهید تفاوت ها را فعال کنیم و حرمت آنها پاس بداریم (حقیقی، ۱۳۷۹: ۲۳). پس هیچ اصل یا مفهومی در دنیا وجود ندارد که مبنای سایر مفاهیم باشد. (kiely, 1995: 154-153). جامعه ای که انسانها را یکدست می کند و ارزش ها را از مجرای حقوق کیفری تحمیل می کند، حتی اگر جامعه هنجار ساز و مذهبی باشد، انسان را به نا- انسان تبدیل میکند. از نظر میشل فوکو، یکسونگری در اعمال حقوق و قوانین و جرم انگاری توسط دولت، جای خود را به روایت های محلی بدهند؛ چرا که مشکلات محلی محتاج راه حل های محلی است. (احمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۷) ایجاد اصول قانونی از طریق ایجاد تمایز میان افراد و جدا کردن آنها از یکدیگر بر مبنای تفاوت هایی نظیر اصول و قواعد بهنجار و نابهنجار، عاقل و دیوانه، مجاز و ممنوع، نسبت به افراد هویت بخشی می کند. در نتیجه برای آنها هویتی درست می کند که خود را در آیین آن ادراک می کنند (استنگرام و گاروی، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

#### ۲. تحولات پسانوگرایی در عناصر متشکله جرم

علاوه بر این تلقی کلی پسانوگرایانه از جرم، امروزه شاهد تحولاتی پیرامون عناصر تشکیل دهنده جرم در تفکر پسانوگرایی هستیم :

#### ۲-۱. تحول در عنصر قانونی

بزعم پست مدرن ها اصل قانونی بودن برعکس دیدگاه بانیان آن، در جهت منافع گروه‌های خاص در پناه جرم انگاری سوگرایانه و جهت دار نه تنها در جهت حفظ حقوق و منافع مردم نمی باشند بلکه حتی در جهت تقویت قدرت حاکم و تضعیف جایگاه مردم، مورد سوء استفاده قرار میگیرد (دورگر، ۱۹۶۳: ۱۰).

## ۲-۱-۱. از قانونمندی حقوق کیفری تا آیین نامه ای و قابل گذشت شدن حقوق کیفری

به باور پست مدرن، اصل قانونمندی بکار یا برعکس تفکر وی امروزه قانون را بعنوان مظهر خواسته های قدرت، تلقی کرده و حاکمیت قانون، که روزی به مثابه تضمینی برای آزادی های فردی محسوب می شد، امروز به پوششی برای حاکمیت دولت تبدیل گردد. از سوی دیگر، امروزه باید از آیین نامه ای شدن یا اداری شدن حقوق کیفری نیز به مثابه تحولی که به منزله ترقیق قانونمندی در جهت عقب نشینی حقوق کیفری است، یاد نمود. (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۸) ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که با شیوه احصایی قانونی اقدام به برشمردن جرایم قابل گذشت نموده و اشعار می داشت: «علاوه بر جرایم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد کذف این قانون و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرایم مندرج در قسمت اخیر ماده (۵۹۶) و مواد (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب می شوند که در این بخش همسو و هم‌نوا با اندیشه پست مدرن می باشد. نمونه دیگر آیین نامه اجرایی ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب معاون اول رییس جمهور است. ماده ۲ این آیین نامه که برحسب نمرات منفی متخلف، ضبط گواهینامه و حتی ابطال آن و جزای نقدی، توسط اداره راهنمایی رانندگی انجام می گیرد و در ماده ۱۴ قانون حمایت از مصرف کنندگان، تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی و دادگاه ویژه روحانیت توسط نهادهای اجرایی و نه تقنینی نمونه بارزی از این رویکرد است (موسوی مجاب، ۱۳۸۶: ۷۶) در واقع هر مقدار از دگم قانونی خروج و به سمت آیین نامه ها حرکت کنیم شاهد نوعی هماوایی با جرم شناسی تکثرگرای پست مدرن هستیم.

## ۲-۱-۲. تحول در عنوان گذاری جرایم

یکی دیگر از تحولاتی که به موازات آیین نامه ای شدن حقوق کیفری شاهد آن هستیم، تحول در عنوان گذاری جرایم است. در واقع، همزمان با زیرسؤال رفتن فراروایت های کیفری - که اساس تفکر پست مدرن است - قانونگذاران در وصف گذاری برای جرایم جدید با دشواری هایی روبرو شده اند، که خود نشان از خدشه دار شدن کلان روایت های کیفری است. جرایمی که تحت عنوان «در حکم محاربه و افساد فی الارض» در نظام کیفری ما سربر آورده است، بی آن که تطابقی با تعریف اصل محاربه داشته باشند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۶۹).

## ۲-۲. تحولات مربوط به عنصر مادی

### ۲-۲-۱. فنی - تخصصی شدن رفتار مجرمانه

حقوق کیفری امروز از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است و رفتارهایی را که جرم انگاری می کند، بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارند. بنابراین می توانیم بگوییم که شاخه هایی مثل حقوق کیفری اطلاعات و ارتباطات، حقوق مالکیت فکری، حقوق کیفری هسته ای، حقوق کیفری محیط زیست و... نشان از تخصصی شدن حقوق کیفری دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۶۹۲).

### ۲-۲-۲. صنفی شدن رفتار مجرمانه



صنفا شدن به يك معنا شايد تحول چندان جديدي هم نباشد. به عنوان مثال دير زماني است كه ما حقوق كيفري نظاميان را شاهد هستيم. امروزه حركت به سمت قضا زدائي، تمرکز زدائي از حقوق كيفري در جهت حضور ساير سازمانها ي اجتماعي و اداري و مردم نهاد مي باشد. به اين ترتيب برخي رفتارها، نظير تخلفات ورزشي يا پزشكي كه در كميته هاي انضباطي فدراسيون هاي ورزشي يا پزشكي مورد رسيدگي قرار ميگيرد، عنوان تخلف اداري يافته اند (گزارش جرم زدائي اروپا، ۱۳۸۴: ۹).

### ۲-۲-۳. مطلق بودن رفتار مجرمانه

توجه به ارزش هاي جديد و اهميت آن ها سبب شده است تا حقوق كيفري، نفس رفتار صورت گرفته را صرفنظر از اين كه نتيجه اي بر آن مترتب باشد يا خير جرم انگاري كند. صدور چك بلامحل يا نفس پيشنهاده رشوه، قطع نظر از نتايج مترتب بر آن در جهت مبارزه با فساد و كنترل نظم و امنيت، در برخي كنوانسيون هاي بين المللي نظير كنوانسيون مبارزه با فساد (مريدا) ۲۰۰۳ نیز ديده مي شود. (اسكور ادوين، ۱۹۷۱: ۱۷۷)

### ۲-۲-۴. ارتكاب جرايم از طريق ترك فعل

يكي ديگر از تحولاتي كه در حوزه مربوط به عنصر مادي جرم، با آن روبه رو هستيم، افزايش جرم انگاري رفتارهايي است كه جنبه سلبی دارند. اين شيوه جرم انگاري و توسعه قلمرو و ترك فعل در حوزه مربوط به بزه ديدگي اطفال، جرايم اقتصادي و جرايم امنيتي نيز به روشني قابل مشاهده است. به عنوان مثال در قانون ارتقاي سلامت اداري و مبارزه با فساد ۱۳۹۰ علاوه بر مسئولان و مديران ادارات، به موجب تبصره ماده ۱۳ اگر كاركنان دستگاه هاي موضوع قانون مزبور، وقوع جرايم را گزارش ننمايد، مرتكب جرم تلقی مي شوند. (نجفي ابرنآبادي، ۱۳۷۸: ۲۹۶)

### ۲-۳-۲. تحولات مربوط به عنصر رواني

#### ۲-۳-۱. ظهور جرايم با مسئوليت مطلق

امروزه روند جرم انگاري ها به سمت جرايم مادي صرف است. يعني قانون گذار هنگام جرم انگاري، سوء نيت را نه اين كه لازم نداند، بلكه وجود آن را در رفتار صورت گرفته، مفروض تلقی مي كند و دادستان را معاف از ارائه دليل مبني بر وجود سوء نيت مي داند (ابراهيمي، ۱۳۹۵: ۵۵).

#### ۲-۳-۲. تقليل جرم به شبه جرم

جرم در تلقی تفكر مدرن نقض ارزش هاي اساسي و نظم عمومي جامعه خوانده مي شود؛ حال آنكه در مفهوم پسانوگرايانه اي عدالت ترميم، جرم قبل اينكه نقض ارزشهاي جامعه باشد لطمه به روابط شخصي افراد است. (نجفي ابرنآبادي، ۱۳۸۳: ۲۲) بر اين اساس جرم شناسان پست مدرن به جاي توسل دولت به خشونت، استفاده از پاسخ هاي اجتماعي و صلح جويانه، رويكردهاي توافقي و تصالحي و ترقیقي را توصيه مي كنند و مي گویند «سياست هاي اجتماعي زورگويانه صرف، مشكل جرم را تداوم مي بخشد؛ مجازات، مانند رفتن به جنگ است و مردمی كه به جنگ می روند بر اين باورند كه خشونت نتيجه بخش است و در نتيجه متوسل به خشونت می شوند» (ولد و ديگران، ۱۳۸۰: ۳۷۳). بدین سان مفهوم جرم، در عدالت ترمیمی<sup>۱</sup> مفهومی عينيت يافته و ترقیقي شده است و جنبه مدني يافته است. ماده ۶۶ با تاكیدی بر سازمانهاي مردم نهاد و ماده ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ ق.ا.د.ك. مصوب ۹۲ گامی در ترقیقي و تلطيف حقوق كيفري به اعتبار مصالحه و ميانجگري است. (ساقیان، ۱۳۹۴: ۶۴)

<sup>۱</sup> Restorative Justice

(- ماده ۶۶ (اصلاحي ۲۴/۳/۹۴)

### ۳. قرابت یا غرابت قانون مجازات اسلامی با تفکر پست مدرن

بلحاظ دامنه گسترده قوانین مجازات اسلامی، به بررسی موردی موادی از قانون مجازات اسلامی اکتفا می شود.

#### ۳-۱. جرایم تبعی و تبعیضی

در خصوص جرایم تبعی، در ماده ۲۳ و بویژه ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، فرد محکوم از حقوق اجتماعی محروم می شود این محرومیت از داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری تا شوراهای شهر و روستا، محرومیت از اشتغال و استخدام در کلیه دستگاههای حکومتی و سایر محدودیت ها و محرومیت ها را شامل می شود. جرایم تبعی که شهروند از حقوق ذاتی محروم می کند مخالف جرم شناسی پست مدرن می باشد.

با عنایت به پیشگفته، قدری تسامح در حقوق کیفری پست مدرن جرایم به دو قسمت تقسیم میشوند:

الف) جرایم تقلیل دهنده مادی: جرایمی هستند که شرایط مادی و حیثیتی فرد بدلیل جرم کاهش پیدا می کند (2007: 83 Milovanovic). این جرایم گاه باعث تلف اموال می شود مانند سرقت یا سبب آسیب به سلامتی یا زندگی شود مانند ضرب و جرح یا قتل یا باعث از دست رفتن آبرو و حیثیت شود مانند تجاوز.

ب) جرایم سرکوب کننده معنوی: جرایمی هستند که فرد یا گروه آسیب دیده بخاطر تبعیض جنسیتی یا نژادپرستی یا مذهبی و غیره در محدودیتی قرار می گیرد و از دست یابی به هدف و موقعیت شغلی مطلوب باز می دارد (2000: 6 Henry and Milovanovic). جرایم تبعیضی و تبعی اصولا در قسمت جرایم سرکوب کننده معنوی جای می گیرند مانند نژادپرستی و تبعیض جنسیتی و دینی و یا محدودیت های ناشی از دیدگاه های سیاسی و مذهبی مختلف. رفاه و امنیت، مکان زندگی مناسب، امکانات درمانی مناسب و درآمد آبرومندانه باید برای تمام افراد تامین شود. جرم حقیقی، نقض این حقوق است؛ در واقع، جنگ، نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و اعمالی که موجب فقر می شوند پیامد نظام مدرنیته بوده و عامل اصلی این جرایم را باید در سیستم مدرنیته جستجو کرد بنابراین می توان گفت جرایم سرکوب کننده، جرایم علیه رفاه و حقوق اساسی و اولیه انسان هاست، هیچ نهاد رسمی حاکمیتی حق ندارد شهروندان را از حقوق ذاتی شان محروم کند (2001: 51, Mclaughline & Muncie).

#### ۳-۲. جرایم جنسیتی

فمنیسم های پست مدرن بر این عقیده اند که جامعه ی امروز، تعریف جنس را تغییر داده است و تجاوز به همسر جرم انگاری شده و سلطه مرد بر زن پایان یافته است. با نگاهی به قانون مجازات اسلامی مذكر مداری در آن یک برجستگی خاصی دارد که در تعارض با این گفتمان است. (سجادی ۱۳۸۴: ۲۹). در خصوص جرایم تبعیضی، زنانی غیر مسلمان با زن مسلمان موجب قتل زانی غیر مسلمان است. همچنین قسمت آخر ماده ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی در قصاص عضو اگر مجنی علیه زن مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد در قصاص عضو لازم به پرداخت نصف دیه نیست (تبعیض دینی) و هکذا در ماده ۳۸۲.

---

۲- سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.<sup>۹</sup>

### ۳-۳. جرایم یقه سفید

در تقسیم بندی جرایم به یقه چرکین و یقه سفید، جرایم یقه چرکی یا یقه آبیها که بزعم پست مدرنها حجم بالای زندانهای ما را تشکیل میدهد و جرایم یقه سفید که به جرایم فسفری مغزی مشهور است جرایمی هستند که اصولاً بدلیل نفوذ سیاسی و اجتماعی قدرت دستگیری و محاکمه آنها را ندارد. (میلووانویس، ۱۹۹۷: ۶۲) که اختلاس های میلیاردی و پرونده های کلان فساد اقتصادی دهه ی چهارم انقلاب اسلامی در کشورمان که با سکوت و تسامحی برخورد کردن مراجع قضایی و اختصاری اعلام کردن اسامی مختلسین تحت عناوین (ب - ز)، (ف - ن - د) و... مواجه شد، میزان مشروعیت دولت را در افکار عمومی بشدت پایین آورد. از منظر این رویکرد، مهمترین آسیب جرایم یقه سفید، همین تبعات غیرمستقیم ولی سنگینی است که بر فضای عمومی جامعه تأثیر می گذارد، اعتماد مردم از نهادهای عمومی را سلب می نماید، حس بدبینی را در میان اقشار جامعه گسترش می دهد و در نهایت موجب ناامیدی افراد جامعه از دستیابی به اهداف خود در زندگی ایجاد حس بیگانگی میان مردم و دولت می گردد. (ماتیسن توماس، ۱۹۹۰: ۸۱) دلیل عدم جرم انگاری صریح و قاطع در جرم انگاری یقه سفید، با مولفه اول پسامدرن که همان پدیده ی قدرت حاکم است تناسب دارد.

اضافه شدن یک بند به قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور به منظور جلوگیری از ترویج و فعالیت شرکت های هرمی (۱۳۸۴) و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) هرچند بی تاثیر نبوده؛ اما به نظر می رسد تصویب این قوانین محصول تحولات مقطعی و پاسخی زودگذر به تشدید مطالبات عمومی شهروندان است و معمولاً این قوانین فرصت مناسبی برای اجرایی شدن، پیدا نمی کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۳۳).

لازم به ذکر است با توجه به رویکرد انتقادی جرم شناسی پسامدرن، روند تصویب قوانین نسبت به جرایم یقه سفید در کشور در دهه های اخیر، به رغم تجربه فراز و فرودهای مختلف و تغییرات نامتوازن در مقررات ناظر بر این جرایم، توجه چندانی به حقوق مصرف کنندگان، کارگران و محیط زیست نداشته است. جدیدترین تحولات قانونی ناظر بر جرایم یقه سفید از سال ۱۳۹۰ به این سو نیز، وجود رویکردهای پراکنده و نامنسجم در قانونگذاری، نبود نگرش های سیستمی به موضوع جرایم یقه سفید، موجب گردیده با وجود قرارگیری در دهه ی چهارم انقلاب اسلامی و تجربه کردن حوادث تلخی همچون پرونده های کلان فساد اقتصادی و اختلاس های میلیاردی برنامه های منسجم و کارآمدی به منظور مقابله و کنترل جرایم یقه سفید ارائه نشده و چشم انداز روشنی نیز در این زمینه قابل ترسیم نباشد.

### ۳-۵. جرایم حدود الهی و مفروضات قانونی

قانون مجازات اسلامی به حدود، قصاص، دیات و جرایم تعزیری و بازدارنده تقسیم شده است. از یک سو در مباحث حدود الهی و احکام تکلیفی قصاص و دیات بلحاظ مفروض و تعبدی بودن، امکان اجتهاد، پویایی و تحول در آموزه های اسلامی وجود ندارد بعنوان نمونه، حد قذف در صورت غیرمکفی بودن شهود زنا، هشتاد ضربه شلاق در شرب خمر بدون کم یا زیاد، سن مسئولیت کیفری ۹ سال برای ذکور و ۱۵ سال برای انوث بدون در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی و روانشناختی با بینش پسامدرن فاصله دار است. قسامه، عاقله، محاربه و افساد فی الارض به نفع جرم انگاری متناسب با اصالت سرزمینی، بومی و محلی، از پیش فرض های اندیشه ی پسانوگرایی است. اینان به پلکانی و تدریجی بودن مسئولیت معتقدند. از دگرسو؛ در مباحث تعزیری اسلام؛ نوسانات صدور احکام بسیار باز است. تعزیرات حوزه مانور قانونگذار و قاضی است و دق الباب اجتهاد است. (گلدوزیان، ۱۳۹۳)

<sup>۱</sup> Milovanovic

<sup>۱۱</sup> Mathiesen, Thomas.

(۴۷: می توان گفت اندیشه پست مدرن با این قسمت از مباحث اسلامی تناسب دارد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، بر خلاف قانون پیشین با تفصیل بیشتری به احکام و جزئیات جنایت‌های ارتكابی میان مسلمانان و غیرمسلمانان پرداخته شده و علاوه بر کلیات، بالغ بر ۱۰ ماده به این امر اختصاص یافته است. در قانون کنونی، احکام یاد شده با اندکی تغییر در عبارات قانونی، طی مواد ۳۰۱، ۳۱۰ و ۳۸۲ مورد تاکید قرار گرفته است همچنین مسایل دیگری که قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۷۰، احکام آنها به سکوت برگزار شده بود به صراحت مورد حکم قرار گرفته است که در ادامه به بررسی اجمالی آنها خواهیم پرداخت. در ماده ۳۱۰ قانون فعلی، مجنی‌علیه به دو دسته مسلمان و غیرمسلمان و سپس غیرمسلمانان به چهار دسته ذمی، مستامن، معاهد و «غیر اینها» تقسیم شده‌اند؛ با این حال هنوز تبعیض مذهبی یکی از مولفه‌های قانون مصوب ۱۳۹۲ و مخالف پسانوگرایی است.

#### ۴. قرابت آیین دادرسی کیفری با مولفه‌های پسانوگرایی

«لایحه آیین دادرسی کیفری» پس از فراز و فرودهای بسیار، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. در ماده «۱»، آیین دادرسی کیفری اینگونه تعریف شده است: «مجموعه مقررات و قواعدی که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع شده است».

این تعریف در مقایسه با تعریف سابق مذکور در «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۷۸، گام‌ها و نقاط مثبت بسیاری دارد که تصریح به انجام میانجیگری و صلح میان طرفین یکی از این گام‌های مثبت است. برای اجرای سازوکاری که در ساختار مواد «۷۹»، «۸۰» و «۸۲» «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲ پیش بینی شده است، مراجع قضایی را مکلف کرده که به منظور دست یافتن به صلح و سازش میان طرفین اختلاف، از راهکارهایی همچون میانجیگری، تعویق تعقیب، تعلیق تعقیب و بایگانی کردن پرونده استفاده نمایند.

در این میان یکی از مهمترین ابزارهای قانونگذار برای رسیدن به صلح میان بزه دیده و بزه‌کار، میانجیگری است و همانگونه که در فصل نخست از بخش نخست اشاره شد، دارای رویکردها و انواع مختلف همچون میانجیگری کیفری، خانوادگی، تجاری و غیره است که عدم ذکر قانونگذار به نوع میانجیگری، خود نشان از بینش وی برای اجرای میانجیگری در سطوح مختلف اختلافات بوده است. میانجیگری از جمله مدل‌های سیاست جنایی دولت-جامعه مردم سالار (دموکراتیک) است که با هدف واگذاری بخشی از پاسخ به پدیده مجرمانه، به جامعه مدنی اتخاذ می‌شود. در این مدل دولت تلاش می‌کند که ضمن مداخله حداقلی در فرآیند کیفری، بسترهای مشارکت جامعه را نیز مهیا نماید. (لازرژ، ۱۳۹۲: ۱۳۴)

به این ترتیب می‌توان دریافت که قانونگذار ایران میانجیگری را به عنوان یکی از روش‌های حل و فصل دعوا و اختلاف لحاظ نموده است، و تلاش نموده است تا ضمن پاسخ دهی مناسب به پدیده مجرمانه، بسترهای مشارکت صحیح و اصولی جامعه مدنی در فرآیند کیفری را مهیا نماید. در ذیل به بررسی برخی از مهمترین اصول، اهداف و نتایج میانجیگری می‌پردازیم. میانجیگری مذکور در «قانون آیین دادرسی کیفری» از حیث ساختار و تشکیلات اداری دارای ۳ اصل مهم می‌باشد؛ مقتضی بودن (مناسب بودن) تعقیب، بزه‌دیده مدار بودن و اختیاری بودن. این ویژگی‌ها از بسیاری جهات به نظام میانجیگری

موجود در «قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه» (که با فراخور مباحث اشاره خواهد شد) شبیه می باشد. در ذیل به ذکر مختصات این ویژگی ها پرداخته و در یک نظام تطبیقی آن را بررسی می نماییم.

#### ۴-۱- اقتضاء یا موقعیت داشتن تعقیب

منظور از اقتضاء یا موقعیت داشتن تعقیب در میانجیگری مفید تشخیص دادن تعقیب و اختیاری بودن آن از سوی مقام قضایی است. این اندیشه که در نیکه قرن بیستم و تحت تأثیر اندیشه های دفاع اجتماعی نوین به رهبری شادروان دکتر مارک آنسل شکل گرفت، حقوق دانان را مجاب نمود که به منظور بازپذیری مجرم می توان در مواقعی از تعقیب بزهکار تحت شرایطی خودداری نمود. (پرادل، ۱۳۹۰: ۱۲) و از این طریق به احیاء و بازپروری مجرمانی که برای نخستین بار مرتکب جرم شده اند (به خصوص نوجوانان و جوانان) کمک نمود.

در همین راستا بود که کمیته عدالت جوانان و پیشگیری از جرم در بند «۱-۵» قطعنامه غیرالزام آوری که در سال ۱۹۹۰ تحت عنوان «تصمیمات مقدم بر رسیدگی دادگاه» تصویب نمود، مقرر داشت که «پلیس، دادسرا یا سایر مقامات مسئول عدالت کیفری، در صورت مصلحت و آنگاه که این امر با نظام حقوقی آنان مانع الجمع نباشد باید مجاز شناخته شوند تا در مواردی که توسل به تعقیب قضایی برای حمایت از جامعه، پیشگیری از ارتکاب جرم یا ترفیع احترام قانون یا حقوق زیان دیدگان از جرم ضروری نباشد، از تعقیب خودداری کنند. هر نظام حقوقی ضوابط خود را در زمینه ضرورت تعقیب و یا انصراف از آن مشخص خواهد کرد.» (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

این اصل در کنار اصل قانونی یا الزامی بودن تعقیب از اصول مهم نظام های آیین دادرسی کیفری محسوب می شود، و در «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲ نیز مقنن به درستی این اصل را شناخته و آن را در قالب ماده «۸۰» قانون مذکور، به مقام قضایی این اختیار را داده است که در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت حصول شرایط مذکور در ماده، برای یک بار از تعقیب متهم خودداری نموده و قرار بایگانی پرونده را صادر نماید.<sup>۱۳</sup> علاوه بر این قانون در ماده «۸۲» و همچنین در ماده «۸۱» قانون مذکور صراحتاً حق اختیار موقوفی تعقیب را در قالب عبارت «مقام قضایی می تواند» مورد تأکید قرار داده است و در آن به مقام قضایی «بازپرس و دادستان» این اختیار را داده است که از این حق خود در صورت حصول شرایطی استفاده نمایند.

#### ۴-۲- اختیاری بودن ارجاع به میانجیگری

اصل مشارکت اختیاری در میانجیگری پیش زمینه و پیش شرط لازم برای هر نوع میانجیگری کیفری بوده و بدون آن امکان موفقیت فرآیند میانجیگری از بین خواهد رفت. این اصل وجه تمایز میان فرایندهای عدالت ترمیمی با فرآیندهای رسمی رسیدگی کیفری است و در آن حق انتخاب به بزه دیده و بزهکار واگذار شده است. این اصل علاوه بر اسناد مهم بین المللی<sup>۱۴</sup> در بند ۲ ماده «۸۲» «قانون آیین دادرسی کیفری» نیز اینگونه ذکر شده است که «مقام قضایی می تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنها... برای میانجیگری ارجاع دهد». تصریح شرط قانونگذار به توافق طرفین برای ارجاع به

#### Reintegration

در خصوص این قرار و شرایط آن، رک.به: مبحث دوم از فصل دوم در همین بخش<sup>۱۵</sup>

بند «ب» ماده «۱۱۳» «اصول اساسی استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی در امور کیفری» مصوب شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل (ژولای) سال ۲۰۰۲ مقرر می دارد که «هیچ یک از بزه دیده و بزهکار نباید با روش های غیر منصفانه به شرکت در فرایند ترمیمی یا پذیرفتن برآیندهای ترمیمی مجبور یا وارد شوند».

میانجیگری، دلالت بر رعایت اصل اختیاری بودن ارجاع به میانجیگری دارد که از اصول پایه و اساسی آن است. این اصل تنها در مرحله ارجاع به میانجیگری رعایت نمی شود، بلکه قانونگذار مقام قضایی را مکلف نموده است تا در صورت توافق طرفین به منظور پرداخت خسارت یا جبران زیان، به این توافق احترام گذاشته و تعقیب را متوقف نماید.<sup>۱۵</sup>

#### ۴-۳- اعتبار توافقات

اصل اعتبار توافقات بدین معناست که در صورتی که پرونده کیفری با شرایط قانونی و توسط مقامات صالح قانونی به میانجیگری احائه شود و بین طرفین توافقات دو طرفه قانونی حاصل شود، این توافقات نسبت به طرفین و مقامات دستگاه عدالت کیفری معتبر خواهد بود. (عباسی، ۱۳۹۰: ۸۷)

قانونگذار در ماده «۸۲» بیان نموده است که در صورت توافق بین طرفین و گذشت شاکی اگر جرم از جرایم قابل گذشت باشد، مقام قضایی قرار موقوفی تعقیب صادر می کند و در صورتی که از جرایم غیرقابل گذشت باشد در صورت حصول شرایطی (فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری، اخذ موافقت متهم)، تعقیب وی را معلق می کند. در واقع می توان بیان نمود که توافقات طرفین برای حصول سازش در قالب صدور قرارهای موقوفی تعقیب اعتبار پیدا می نماید.

در ماده «۸۳» «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲، بیان شده است که «نتیجه میانجیگری به صورت مشروح و با ذکر ادله آن طی صورت مجلسی که به امضای میانجیگری و طرفین می رسد، برای بررسی و تأیید و اقدامات بعدی حسب مورد نزد مقام قضایی مربوط ارسال می شود. در صورت حصول توافق، ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آنها در صورت مجلس الزامی است». در این جا مقنن مقرر نموده است که نتیجه میانجیگری، چه توافقی حاصل شده و چه حاصل نشده باشد می بایست صورت جلسه شود، حال در صورتی که توافقی حاصل شود ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آنها در صورت مجلس الزامی است. در اینجا ممکن است این سئوالات مطرح می شود، که مقصود از «بررسی، تأیید و اقدامات بعدی مقام قضایی» چیست و آیا نتیجه میانجیگری می بایست به «تأیید مقام قضایی» برسد و در صورتی عدم تأیید، آیا نتیجه میانجیگری معتبر نمی باشد؟ همچنین مقصود از مقام قضایی مربوط کیست؟ (عباسی، ۱۳۹۰: ۸۵)

در خصوص سئوال نخست، به نظر می رسد که با توجه به پذیرش اصل توافقات انجام گرفته توسط طرفین از سوی مقنن و طبق ماده «۸۲»، ماده «۸۲» در صورتی که توافقی حاصل شده باشد، اگر توافقات حاصله موافق قانون و شرع باشد، با توجه به ال اعتبار توافقات میانجیگری، مقام قضایی حق دخل و تصرف در توافقات را نداشته و تأیید مذکور در قانون تنها جنبه تشریفاتی دارد و به منظور اعتبار قانونی بخشیدن به آن وضع شده است. در همین رابطه، در ماده «۱۵» «اصول بنیادی بکارگیری برنامه های عدالت ترمیمی در امور کیفری» نیز اینگونه ذکر شده است که «پیامدهای توافقات برخاسته از برنامه های عدالت ترمیمی باید در صورت لزوم از نظر قضایی نظارت شود یا با تصمیمات یا حکم قضایی آمیخته شود...» و در برابر، چنانچه توافقات برخلاف اصول و موازین قانونی و شرعی باشد، نظارت مقام قضایی، نظارت استصوابی بوده و مقام قضایی حق دخالت در تغییر شرایط آن را دارا می باشد.

#### ۴-۳- رویکردهای ترمیمی در بستر نهادهای عدالت کیفری

ر.ک. به: ماده «۸۲» ق.د.ک/ مصوب سال ۱۳۹۲

در «قانون آیین دادرسی کیفری» نهادهای ترمیمی وجود دارند که خارج از بستر عدالت ترمیمی شکل گرفته باشد، لیکن دارای ویژگی‌ها و خصایص ترمیمی همچون واگذاری دعوا به طرفین آن، ترمیم خسارات بزه دیده، لزوم رضایت بزه دیده و بزه‌کار و همچنین موافقت آنها، اختیاری بودن رسیدگی به آنها و غیره است که به دلیل وجود همین خصایص و ویژگی، می‌توان آنها را ضمن جدا نمودن از رویکردهایی همچون میانجیگری ماده «۸۲» ق.آ.د.ک. مصوب سال ۱۳۹۲، و با توجه به بسترهای شکل‌گیری آنها، به دو دسته رویکردهای ترمیمی و نیمه ترمیمی تقسیم نمود. در ادامه به مهمترین نهادهای دارای رویکرد ترمیمی که در «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است، می‌پردازیم.

### الف: قرار تعلیق تعقیب

از جمله رویکردهای پیش‌دادرسی ترمیمی در «قانون آیین دادرسی کیفری»، تعلیق تعقیب است. تعلیق تعقیب به معنای معلق کردن پیگرد دعوا کیفری برای مدت مشخص است که توسط دادستان محقق می‌شود. این نهاد محصول تحولات کیفری بیستم است که در پی آن قانونگذاران به دادستان‌ها اجازه می‌دادند تا در صورت مفید بودن از تعقیب آن انصراف دهند. این قاعده که از آن به مقتضی بودن تعقیب نیز یاد می‌شود در مقابل قاعده الزامی بودن تعقیب قرار می‌گیرد و امروزه در بیشتر نظام‌های حقوقی، هر دو شکل آن اجرا می‌شود. به طور مثال «قانون آیین دادرسی کیفری آلمان» تا پیش از اصلاحات سال ۱۳۷۵ تابع اصل الزامی بودن تعقیب قرار داشت و پس از آن با الحاق موادی به قانون مذکور، رویکرد متفاوتی را در پیش گرفت و دو قرار بایگانی کردن پرونده (طبق ماده «۱۵۳») و تعلیق تعقیب (طبق بند الف ماده «۱۵۳») را به قرارهای صادره از سوی دادستان اضافه نمود.

تعلیق تعقیب از دو حیث در «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲، واجد اعتبار ترمیمی است؛ نخست از جنبه فرآیند گرا بودن تعلیق، به گونه‌ای که از یک سو نیازمند رضایت بزه دیده و جبران خسارت وی بوده و از سوی دیگر جهت صدور آن موافقت بزه‌کار لازم است که این امر خود نشانگر اصل اختیاری بودن تعلیق در قانون مذکور است. جنبه دوم، از حیث نتایج رویکرد مذکور که برآیندی ترمیمی همانند جبران خسارت بزه دیده، ارائه خدمات به وی یا کاهش آثار زیان بار مادی و معنوی دارد که در صدور دستورات ماده «۸۱» ق.آ.د.ک. ذکر شد هاست. همچنین تلاش به منظور بازپذیری بزه‌کار در جامعه از طریق شرکت در آموزش، ترک اعتیاد و غیره، در کنار لحاظ نمودن برخی منافع جامعه از قبیل انجام خدمات عدم المنفعه از مواردی هستند که همگی نشانگر ترمیمی بودن رویکرد مذکور می‌باشند.

### ب: آزادی مشروط، مرور زمان

مقنن در این قانون، نهاد تعلیق تعقیب را به تقلید از ماده «۴۰» مکرر ق.آ.د.ک. مصوب سال ۱۲۹۰، به تصویب رساند و در ماده «۸۱» ق.آ.د.ک. مصوب سال ۱۳۹۲ بیان نمود که «در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته باشد، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخص داده شود و متهم نیز فاقد محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال، معلق کند. در این صورت دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورات زیر می‌کند». لازم به ذکر است، این نهاد در دو ماده «۸۱» و «۸۲» با دو فرآیند متفاوت پیش‌بینی شده است. بدین صورت که ماده «۸۲» به عنوان نتیجه میانجیگری در جرایم غیرقابل گذشت و با حصول شرایطی در نظر گرفته شده است، و این در حالی است که در ماده «۸۱»، تعلیق تعقیب خود یک رویکرد مستقل بوده و مقنن

به منظور اجتناب از تأثیرات منفی قاعده الزامی بودن تعقیب این اختیارات را به مقام قضایی داده است که در صورت مفید بودن تعلیق تعقیب، از این نهاد استفاده کند. (ساقیان، ۱۳۹۴: ۸۸)

در ماده «۸۱»، دو دسته شروط جهت حصول به قرار تعلیق تعقیب پیش بینی شده است که دسته نخست این شرایط در رابطه با صدور قرار تعلیق و دسته دوم شروط استمرار تعلیق است که در ذیل بدو به بررسی شرایط صدور و شرایط استمرار تعلیق تعقیب پرداخته و سپس به بررسی ویژگی های قرار تعلیق تعقیب می پردازیم. رویکرد مقنن به شیوه های ترمیمی با دلایل مختلفی همراه بوده است که این دلایل از حیث نظری شامل حمایت از بزه دیده، که در سول سالیان دراز به نقش وی در رسیدگی به دعوی کم توجهی شده است، کمک به فهم و درک بهتر بزهکار از آنچه که عمل او به بار آورده و در نتیجه جلوگیری از تکرار جرم در آینده توسط او بوده است. هرچند توجه به این نکته ظریف لازم است که عدالت ترمیمی به دنبال پیشگیری از ارتکاب جرم نبوده و نیست، لیکن به دلیل نوع فرآیندی که در خود جای داده است به صورت یک مکانیزم زاینده، از ارتکاب جرم پیشگیری می کند.

مقنن با واگذاری حل و فصل دعوا به طرفین آن و همچنین استفاده از ظرفیت های جامعه، حسن اعتماد خود را به رویکردهای جامعه ترمیمی نشان داده و ضمن ایجاد نهاد و مؤسسات مردمی غیردولتی در ماده «۶۶» ق.آ.د.ک. مصوب سال ۱۳۹۲، نهادها و اشخاصی را جهت میانجیگری پیش بینی نموده است که این رویکرد نقطه مقابل اندیشه های انعطاف ناپذیر سیاست جنایی پیشین ایران در استفاده حداکثر از روش دادگاه های رسمی را نشان می دهد. در واقع، در یک بستر کیفری به شیوه ترمیم به حل و فصل اختلافات می پردازد که این شیوه ها شامل طیف وسیعی از اقدامات از جمله تعلیق تعقیب، تعویق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی، جایگزین های زندان است، و با وجود تفاوت هایی که در عملکرد و سازکار خود با میانجیگری داشته، لیکن از حیث نتیجه تفاوتی با آن ن داشته و می توانند با وجود شرایطی، از جمله رویکردهای ترمیمی- کیفری محسوب شود.

ماده ۵۶- نظام نیمه آزادی، شیوه ای است که براساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می شود.

ماده ۵۷- در حبسهای تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادر کننده حکم قطعی می تواند مشروط به و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

ماده ۵۸- در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می تواند در مورد به پیشنهاد با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی شود.



- پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن تربیت دهد.
- ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.
- انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل تأیید قاضی اجرای احکام می رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.
- ماده ۶۴- مجازات های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می شود.
- تبصره- دادگاه در ضمن حکم، به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می کند. دادگاه نمی تواند به بیش از دو نوع از مجازات های جایگزین حکم دهد.
- ماده ۱۰۵- مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تخفیفی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:
- الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای ده سال
- ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال
- پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال
- ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال
- ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال
- بند سوم: اصل فردی کردن
- بطور مسلم هر آنچه مقام تقنین در مقام توجه به سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب، در تصمیم گیریهای خود اتخاذ می کند، اهتمام به پلورالیستی و متکثر بودن نظام حقوقی و وفق تفکر پساساختارگرایی است. در مورد تعزیرات هر چند که طبق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قاعده ی کلی بیان شده است اما در واقع مصادیق و نحوه و چگونگی اجرا و چگونگی برخورد با مجرم به عهده ی حاکم اسلامی گذاشته شده است، که البته بیان این مهم که این تفویض اختیار به حاکم مطلق نیست به این صورت که هر طوری که حاکم خواست اقدام به اجرای تعزیرات کند بلکه این اقدام باید طبق شرایط خاص صورت پذیرد، یعنی حاکم ابتدا جرم و مجرم را مورد بررسی قرار داده و سپس شرایط اجتماعی و مصلحت اسلامی را در نظر گیرد و بعد از همه ی این شرایط اقدام به اجرای مجازات بکند. حتی حاکم می تواند مجرمی را که جرم تعزیری انجام داده از مجازات عفو کند.
- بنابراین مشاهده می شود که این دسته از جرایم بهترین جایگاه را برای گفت و گو از مباحث پست مدرنیسمی دارند. (نبی زاده، ۱۳۹۳: ۹۷) در این بخش از جرایم مجازات هایی که اعمال می شوند بیشتر مجازات های مالی و حبس می باشند. قانونگذار در اجرای مواد ۶۳ تا ۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ضمانت اجراهای کیفری - خدماتی، جزای نقدی را جایگزین کیفر حبس قرار داده است و تا حدودی سعی بر تعدیل مجازات ها داشته اند.

در رابطه با بحث فردی کردن مجازات‌ها در بخش تعزیرات، در ماده ۱۸ قانون مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار بیان می‌کند که دادگاه در صدور حکم تعزیری مواردی را باید مورد توجه قرار دهد از قبیل: سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم و ... که نشانه‌ی تأکید قانونگذار بر اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد، اما در قانون سابق ماده‌ای با این بیان و صراحت در زمینه‌ی اصل فردی کردن وجود نداشت.

ماده ۱۸- تعزیر مجازاتی است که نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود، دادگاه در صدور حکم تعزیر، با رعایت مقررات قانونی؛ موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم،

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن،

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.

نهاد جدید تعویق صدور حکم در ماده ۴۰ نیز در واقع حرکتی جدید از سوی مقنن به عنوان یکی از ابزارهای فردی کردن مجازات‌ها است که مصدافی در قانون سابق نداشته است. ماده ۴۰- در جرائم موجب موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبرا

ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر

تبصره- محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.

در قوانین جزایی ایران قبل از قانون مصوب ۱۳۹۲، که تا حدودی در بخش تعزیرات قدم‌هایی جهت توجه به شخصیت متهم و مجرم برداشته است، به نظر می‌رسد این مسأله‌ی مهم را که ممکن است مجرمان انسان‌های بیماری باشند که به درمان و بازپروری نیاز دارند فراموش کرده باشند چنانچه فیلی و سیمون ادعا می‌کنند که مقنن در واقع بهره‌وری از منابع را، که هدف مجازات اصلی است، جایگزین اصلاح مجرم کرده است. برای مثال، تحمیل هزینه‌ها به متخلفان بر این دلالت دارد که مجرمان، اشخاص منطقی می‌باشند، جرایم و هزینه‌ها پاسخگوی آنها هستند تا اشخاص بیماری که به توانبخشی و درمان نیاز داشته باشند اما چنانچه گفته شد مخالفت با قدرت متمرکز دولت یکی از اصول و مؤلفه‌های پست مدرنیسم در مقابل مدرن می‌باشد، بنابراین انتظار می‌رود که از آن جهت که قوانین آیین دادرسی کیفری متأثر از قوانین ماهوی هستند در مراحل احراز وقوع جرم، تحت نظر قرار دادن مظنون، مرجع تعقیب و حتی در مرحله‌ی اجرای حکم از نقش دولت‌ها کاسته شده و در عوض جایگاه نهاد‌های مردمی و خصوصی زیاد شود که این مسأله در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی نشده است و مقنن صرفاً در ماده ۱۷۶ آیین دادرسی کیفری گامی در جهت خصوصی‌سازی سیستم عدالت کیفری آن هم با ذکر این عبارت که «قوه‌ی قضائیه می‌تواند ابلاغ اوراق قضایی را به بخش خصوصی واگذار کند» برداشته است. بنابراین به صورت خلاصه می‌توان گفت اصل فردی کردن به اعتبار توجه به ویژگیهای تجرد، تاهل، فقر و غنا و ..... در صدور حکم مورد تأیید تفکر پست مدرن می‌باشد. هرچایی در قانون مجازات اسلامی به اصل فردی بودن و خصوصیات فرد خاصی در صدور

حکم توجه شده اعتنای به تفکر پست مدرن و هر جا رویکرد تعبدی یکسویه خشک و دگم و اعمال قدرت باشد جایی برای تفکر پست مدرن نیست. (پرچمی، ۱۳۹۷: ۴۰)

### ۵- غرابت مواد و مفاهیم قانون مجازات اسلامی با تفکر پسانوگرایی

بررسی مواد قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با مولفه های پسانوگرایی زمینه های وفاق و قربت و یا دوری و غرابت آن را تبیین و روشن میکند. از اینرو در این قسمت به بررسی این مفاهیم و مواد قانونی می پردازیم.

#### ۵-۱- ارجاعات به شرع

نویسندگان قانون مجازات اسلامی که به رغم وجود ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ارجاعات مکرر قانونی به شرع همچنان به رعایت اصل قانونی بودن جرم ایمان دارند در ماده ی ۲۲۰ قانونگذار با تصریح به ارجاعات شرعی تاکید کرده (در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می شود) قانونگذار در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی صراحتاً اقدام به نقض اصل قانونی بودن جرم کرده است و در جرایم حدی منابع معتبر اسلامی را ملاک قرار داده است. در حالی که خود قانون گذار در شناخت منابع اسلامی ناتوان است و هر زمان برداشت نسبتاً متفاوتی از آنها ارائه می دهد، تمامی افراد جامعه باید نسبت به آنها اشراف داشته باشند. (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۰) قانونگذار ایرانی به رغم تصریح قانون اساسی به پذیرش اصل قانونی بودن جرم، در بسیاری از مواد قانونی برای شناخت رفتار به عنوان جرم و احکام آن، مخاطب قانون را به شرع ارجاع داده است. توضیح بیشتر اینکه؛ ماده ۲۱۴ ق.ا.د.ک. مصوب ۱۳۷۶ در کنار منبع تقنینی جرم انگاری، منبع فقهی را در جرم انگاری مورد پذیرش قرار داده است. که فاقد هر گونه توجیه عقلانی و نظری در سیاست تقنینی اسلام و ج.ا.ا. است. این ماده تا حدی از یک سو مخالف با اصل قانون بدون جرم و مجازات است و قاضی را به قانون نویسی و جرم انگاری ترغیب می کند و از دگرسو با توجه به اختلاف مذاهب و نحله های مختلف اسلامی و دیدگاههای اجتهادی مجتهدین در گستره زمان و مکان؛ قاضی در بلا تکلیفی و سردرگمی خواهد بود. از آنجائیکه این ماده قاضی را ترغیب می کند که حکم هر قضیه را به شرط نبودن در قانون مدونه در امهات کتب فقهی و فتاوی معتبر یافت کند احتمال این وجود دارد که شاکی و متشاکی در تقلید از مجتهدینی پیروی کنند که نظرات اختلافی دارند، در این صورت قاضی امکان صدور حکم بر اساس کدام مرجع و مجتهد را دارد؟ همچنین پذیرش دوگانه جرم انگاری اعتباراصل تفکیک قوا را از بین می برد و باعث تشکیک در ثبات و قدرت قوای تقنینی می شود. اصل ۲۶۷ قانون اساسی نیز به این موضوع صحنه گذاشته است با تعمق در پیش نویس های صورت گرفته در خبرگان مشمول این ماده بر دعاوی کیفری و مدنی مسلم است. ماده ۶۳۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ به وضوح به وحدت جرم و گناه دلالت دارد و تحریمات شرعی را برابر جرم انگاری تقنینی شمرده است. این دو زبانی در جرم انگاری عرفی و متون شرعی را شاید بتوان براساس مبنای التعزیر بمایره الحاکم در موارد مالانص فییه توجیه کرد، منطوق ماده ۶۳۸ ق.م.ا. دال بر این است که هر عملی حرام است کیفر دارد و تظاهر به عمل حرام مستوجب مجازات دیگری است. (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۷۶) توسع بخشی به جرم انگاری و تورم مراجع قانونگذاری مخالف تفکر و روح و اندیشه پست مدرن است. پست مدرنها هر نوع سیاست و جرم انگاری را که در راستای تقویت قدرت حاکم و تضییق و تحدید آزادی شهروندان باشد را مورد نقد و آسیب قرار میدهند اینان بر این اعتقادند قانون جزا وسیله ای برای کنترل اجتماعی طبقات پایین در دست طبقات مقتدر و ذی نفع اجتماعی است. پس مجرمیت خصوصیت ذاتی یک رفتار نیست، بلکه ذهنیتی است که صاحبان قدرت

برای شهروندان ایجاد می کنند و صرفاً سیاسی زبانی و اجتماعی است.

### ۵-۲- جرایم یقه سفید و فساد های مالی

با عنایت به اختلاس ها و فسادهای کلان دهه یاخیر کشورمان، بررسی فراز و فرود های قانون مجازات اسلامی در جرم انگاری جرایم یقه سفید خالی از فایده نیست. قانونگذار در ماده ۱۴۳ قانون مجازات سال ۹۲ صراحتاً و علی الاطلاق مسئولیت اشخاص حقوقی را با احراز برخی شرایط پیش بینی نموده است. به علاوه مواد ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ این قانون نیز به تفکیک و با ذکر جزئیات، نوع و کیفیت اعمال مجازات های تعزیری نسبت به این اشخاص را تبیین نموده است این اقدام قانونگذاری گامی بزرگ در مسیر شناسایی مسئولیت کیفری مجرمین یه سفید به ویژه مرتکبین جرائم شرکتی است. همچنین ماده ۲۸۶ این قانون با گسترش نامحدود دامنه ی جرم افساد فی الارض در زمینه ی جرایم اقتصادی که موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می شوند، زمینه ی اعمال شدیدترین مجازات ممکن یعنی، اعدام را برای این جرایم فراهم نموده است. روند تحولات قانونگذاری جرم یقه سفید در دهه های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی حاکی از آن است که به رغم تکرار ارتکاب جرایم سنگین یقه سفید در طول این سالها، مقررات ناظر بر این جرایم تغییرات نامتوازی را تجربه کرده است. در برخی زمینه ها و برخی ادوار، شدت عمل بسیار بالا و در دوره های دیگر واکنش های بسیار خفیفی نسب به جرایم یقه سفید اعمال شده است. این نوع تغییر عملکرد و واکنش های مامتناسب قانونگذار به جرایم یقه سفید، به طرز مشهودی در فرایند تصویب دو قانون مجازات اختلال گران در نظام اقتصادی و مبارزه با پولشویی به چشم می خورد. (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۹۳)

گرچه نقش متغیرهای بیرونی از جمله حوادث و اتفاقات پیش بینی نشده در به تصویب رسیدن برخی از قوانین ناظر بر جرایم یقه سفید، از جمله اضافه شدن یک بند به قانون مجازات اختلال گران در نظام اقتصادی کشور به منظور جلوگیری از ترویج و فعالیت شرکت های هرمی (۸۴) و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (۹۲) تأثیرگذار بوده اند، به نظر می رسد تصویب این قوانین محصول تحولات مقطعی و پاسخی زودگذر به تشدید مطالبات عمومی است؛ بنابراین معمولاً این قوانین فرصت مناسبی برای اجرایی شدن، پیدا نمی کنند. در مقابل با بهره گیری از آموزه های جرم شناسی پسامدرن به نظر می رسد، در طول سالهای مختلف قانون گذاری رسمی در کشور ما، عامل انسانی و نقشی جدی و پررنگ، در تحولات قوانین ناظر بر جرایم یقه سفید ایفا نموده است. نگرش های کلی و مبانی حاکم بر عملکرد دستگاه های مرتبط با قانونگذاری و نظارت بر جرایم یقه سفید در خلال دوره های مختلف، فعالانه و به لحاظ کمی و کیفی بر مصوبات قانونی این حوزه تأثیرگذار بوده است. دستگاه های مذکور با توجه به سیاست ها و اهدافی که دنبال می کردند و امکانات و ابزارهایی که برای این منظور در اختیار داشته اند، بر تصویب قوانین این حوزه اثر گذاشته اند. (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۶۷)

### (جدول ۱-۲ قوانین تصویب شده پس از انقلاب اسلامی در زمینه جرایم یقه سفید)

دهه ی شصت	دهه هفتاد	دهه ی هشتاد
۱	قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۷۱)	قانون نظام صنفی کشور (۸۲)
۲	قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور (۷۱)	قانون تجارت الکترونیکی (۸۲)
۳	قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در	قانون الحاق یک بند و یک

	معاملات خارجی (۷۲)	تبصره به ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور ۶۹ (جرم انگاری فعالیت شرکت های هرمی)(۸۴)
۴	قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۷۲)	قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمون های سراسری (۸۴)
۵	قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می نمایند(۷۲)	قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو(۸۶)
۶	قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل (۷۳)	قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیرمجاز می نمایند.(۸۶)
۷	قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (۷۴)	قانون مبارزه با پولشویی (۸۶)
۸	قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها (۷۴)	قانون جرایم رایانه ای (۸۸)
۹	کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدنده)(۷۵)	قانون حفاظت از دریاها و رودخانه های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی (۸۹)
۱۰	قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور(۶۹)	قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد( ۹۰)

بر این اساس ضمن پذیرش میانی جرم شناسی پسامدرن از جمله بر ساخت گرایی اجتماعی در تحولات قوانین ناظر بر جرایم یقه سفید، به نظر می رسد، عامل انسانی تأثیرگذار در تحولات قانونی جرایم یقه سفید در کشور ما در دهه های اخیر، عمدتاً اراده ی مسئولین در قوای مختلف حکومتی و نگرش های مختلف ان ها نسبت به مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به صورت عام و جرایم یقه سفید به صورت خاص است. به عبارت دیگر رویکردهای مختلف در بین دولت ها، مسئولین قوه ی قضاییه و نمایندگان مجلس نسبت به مسایل کشور و نحوه ی برنامه ریزی و عملکرد آن ها در تصمیم- گیریها، تهیه لوایح و طرح ها، اظهارنظرها، موضع گیری های آن ها، تقدم و تأخر بخشی به سیاست ها و اهداف کلان کشور و...، به عنوان مهمترین عامل در شکل دهی به گفتمان ناظر بر جرایم یقه سفید در کشور ما عمل کرده است.(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۷۶)

### ۵-۳- مفروضات قانونی و جرایم تبعی تکمیلی

پسانوگرایی همچنان که چارلز جنکیس می گوید، تفسیرها و برداشت های بسیار متفاوت را با آغوش باز می پذیرد. تنوع گوناگونی شکل های زندگی در کنار محلی بودن و نسبی بودن و ضروری بودن حقیقت، آن چیزی است که پسانوگرایی بر آن تأکید می کنند. بنابراین هیچ فرضی و پیش انگاره ای در حقوق کیفری وجود ندارد. (وارد، گلن، ۱۳۹۲: ۳۶)

به عبارت دیگر، وجود تمایز و مخالفت با تسلط فرهنگ غالب از ویژگی های پسانوگرایی است. پسانوگرایی بر شنیدن صداهای دیگر تأکید بسیار دارند. پسانوگرایان با هرگونه مرکزگرایی و اقتدارگرایی و مرجعیت باوری و مفروضات قانونی مخالف اند.

ماده ۲۳- دادگاه می تواند فردی را که به حد و قصاص محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از (مجازاتهای تکمیلی) زیر محکوم نماید؛

الف- اقامت اجباری در محل معین.

ب- منع از اقامت در محل یا محلهای معین.

پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین.

ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی.

ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری.

ج- منع از داشتن دسته چک و یا ادار اسناد تجارتي.

چ- منع از حمل سلاح.

ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور.

خ- اخراج بیگانگان از کشور.

د- الزام به خدمات عمومی.

ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی.

ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مرسسه دخیل در ارتكاب جرم.

ژ- الزام به تحصیل.

س- انتشار حکم محکومیت قطعی. (لنگرودی، ۱۳۹۰: ۴۲۳)

تبصره ۱- مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

تبصره ۲- چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرد. پزیرش

مفروضات و مفاهیم تبعیدی با جرم شناسی پست مدرن غرابت دارد و آنرا مخالف آزادی شهروندان می داند.

#### ۵-۴- مذکر مداری و جرایم تبعیضی

جرایم تبعیضی اصولاً جزء جرایم سرکوب کننده معنوی هستند مانند نژادپرستی و تبعیض جنسیتی و دینی و یا محدودیت های ناشی از دیدگاه های سیاسی و مذهبی مختلف. این نوع جرایم ممکن است به صورت روانی و یا فیزیکی باشد. یعنی هنگامی که مردم از عوامل تحمیلی خارجی مانند فقر، تبعیض جنسیتی، نژادپرستی و یا هر محدودیت ساختاری دیگر رنج می برند، این ساختار به طور مشابه آنها را به عنوان قربانیان جرم می بیند. قربانیانی که از این جرائم آسیب می بینند در روابط نابرابر قرار دارند، محدودیت های ساختاری را تجربه می کنند و از درد انکار شدن انسانیت و کرامت خود در رنج اند. رفاه و امنیت، مکان زندگی مناسب، امکانات درمانی مناسب و درآمد آبرومندانه باید برای تمام افراد تامین شود. جرم حقیقی، نقض این حقوق است؛ در واقع، جنگ، نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و اعمالی که موجب فقر می شوند پیامد نظام مدرنیته بوده و

عامل اصلی این جرایم را باید در سیستم مدرنیته جستجو کرد بنابراین می توان گفت جرایم سرکوب کننده، جرایم علیه رفاه و حقوق اساسی و اولیه انسان هاست. در واقع نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و محدودیتهای جرایم تبعی و محرومیت از حقوق اجتماعی نه تنها خود جرم هستند بلکه علت جرایم نوع اول هم هستند و برای پیشگیری از جرایم تقلیل دهنده، باید این عوامل حذف شده و تمام افراد دارای حقوق ذاتی برابر و آزادی باشند. هیچ نهاد رسمی حاکمیتی حق ندارد شهروندان را از حقوق ذاتی شان محروم کند. فردی که از عضویت ساده در شورای یک روستا محروم می شود و حق اشتغال در کلیه ارگانها را از دست می دهد عملاً حق حیات را از او سلب کرده ایم پس علت اصلی جرم، سیستم مدرنیته و پیامدهای آن است. هر شخص، ساختار یا دولتی که حقوق اساسی انسان ها را سلب کند یا اقلیتی را در فقر و تبعیض نگه دارد، مرتکب جرایم سرکوب کننده شده و دارای مسئولیت کیفری است. بر این اساس، جرم شناسی پست مدرن هدف خویش را فراهم آوردن مجال مشارکت کامل افراد در جامعه و فرآیند قانونگذاری می داند، بدون آنکه عواملی مانند؛ نژاد، قومیت، جنس و طبقه مجال اثر گذاری بر این مشارکت بیابد.

در خصوص جرایم تبعیضی، زناهی غیر مسلمان با زن مسلمان موجب قتل زانی غیر مسلمان است. همچنین قسمت آخر ماده ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی در قصاص عضو اگر مجنی علیه زن مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد در قصاص عضو لازم به پرداخت نصف دیه نیست (تبعیض دینی) و هکذا در ماده ۳۸۲. (ساقیان، ۱۳۹۴: ۸۶)

ماده ۳۸۸- زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می کند به قصاص محکوم می شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد اجراء می شود حکم مذکور در صورتی که مجنی علیه زن غیر مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد نیز جاری است ولی اگر مجنی علیه زن مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد مرتکب بدون پرداخت نصف دیه قصاص می شود.

ماده ۳۸۲- هر گاه زن مسلمانی عمداً کشته شود حق قصاص ثابت است؛ لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیر مسلمان باشد بدون پرداخت چیزی قصاص می شود. در قصاص مرد غیر مسلمان به سبب قتل زن غیر مسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیه آن ها لازم است

ماده ۳۸۸- زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می کند به قصاص محکوم می شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد اجراء می شود حکم مذکور در صورتی که مجنی علیه زن غیر مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد نیز جاری است ولی اگر مجنی علیه زن مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد مرتکب بدون پرداخت نصف دیه قصاص می شود.

ماده ۳۸۲- هر گاه زن مسلمانی عمداً کشته شود حق قصاص ثابت است؛ لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیر مسلمان باشد بدون پرداخت چیزی قصاص می شود. در قصاص مرد غیر مسلمان به سبب قتل زن غیر مسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیه آن ها لازم است

### نتیجه گیری

ایده ی منتج از قرائت پسانوگرایی از جرم معنای واقعی جرم بزعم اندیشمندان پسانوگرا، آسیب مادی جسمی یا جانی و حیثیتی نیست؛ بلکه جرم حقیقی نقض رفاه، امنیت، امکانات مناسب درمانی و زندگی آبرومندان و جرایم علیه رفاه و حقوق اساسی انسانهاست که قدرت حاکم همواره با ایده های نژادپرستی و تبعیض جنسیتی و دینی و یا محدودیت های ناشی از

دیدگاه های سیاسی و مذهبی مختلف این حقوق ذاتی را تحدید می کند. به دیگر سخن نقض این حقوق اولیه باعث زایش و تولد نوع دومی از رفتار هاست که تحت عنوان جرایم آسیب های مادی جسمی، حیثیتی و جانی بروز می کند که ریشه ی آن را باید در رفتار های سیاسی حاکمیت واکاوی کرد. به اختصار می توان پیشنهادها و بایسته های قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری از منظر پست مدرن را بشرح زیر مد نظر قرار داد:

- ۱- از فوائد تفکر پست مدرن در حوزه تقنینی، سیالیت و ژله ای بودن مفاهیم و پارادایم های حقوقی در جهت پرهیز از مفروضات و مفاهیم لایتغیر قانونی که تجلی گاه یک نوع تروریسم فکری است. رد مفروضات در قانونگذاری از قبیل، پرداخت نفقه به شرط تمکین، لایتغیر بودن سن مسئولیت کیفری و حد قذف در صورت غیرمکفی بودن شهود زنا.
- ۲- حذف جرایم تبعی و محرومیت از حقوق ذاتی و اجتماعی شهروندان.
- ۳- پاسخ صریح و قاطع نظام عدالت کیفری به جرایم یقه سفید و مفسدین اقتصادی و دولتمردان و سلب مصونیت از آنها.
- ۴- برابری فرهنگی، نژادی، قومی، زبانی، اعتقادی و سیاسی در جرم انگاری و پرهیز از هر نوع تفکیک جنسیتی و مذكرمداری در قانونگذاری. برابری دیه و قتل و قصاص مسلمان و غیر مسلمان، برده و آزاده، زن و مرد، سیاه و سفید.
- ۵- توسعه بخشی به عدالت ترمیمی و ترقیق حقوق کیفری، جهت جلوگیری از برجسب زدن به شهروندان و اهتمام بیشتر به سازمان های مردم نهاد وفق ماده ۶۶ ق.آ.د.ک و مواد ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ این قانون. قانونگذار در اجرای مواد ۶۳ تا ۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ضمانت اجراهای کیفری - خدماتی، جزای نقدی را جایگزین کیفر حبس قرار داده است و تا حدودی سعی بر تعدیل مجازات ها داشته اند.
- ۶- پرهیز از پدر سالاری حقوق کیفری و جرم زدایی استفاده از تجهیزات ماهواره ای در پناه احترام به وجدان جمعی.
- ۷- کنار گذاشتن جرایم و اصطلاحات وارداتی نظیر قسامه، عاقله، محاربه و افساد فی الارض به نفع جرم انگاری متناسب با اصالت سرزمینی، بومی و محلی.
- ۸- توجه بیشتر به اصل فردی کردن مجازاتها، قانونگذار در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون کاهش مجازات های تعزیری این مهم عنایت داشته است.



## منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۲ش، «تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی» فصل نامه پژوهش حقوق کیفری شهر دانش، ش ۵.
- (۳) ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۳ ش، مفهوم جرم شناسی بزه، ترجمه متن رمون گسن، برگرفته از مجموعه مقاله تازه های علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، چ ۱، ج ۲.
- (۴) ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۸۷ش، مجموعه تقریرات جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- (۵) ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۱، تقریرات جرم شناسی به کوشش شهرام ابراهیمی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- (۶) احمدی، مهدیه؛ افشین مهر، وحید؛ عامری سیاهویی، حمید رضا، ۱۳۹۰ش، آشنایی با معماری معاصر، تهران، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- (۷) استراترن، پل، ۱۳۸۹ ش، آشنایی با دریدا، ترجمه پویا ایمانی، تهران، نشر مرکز.
- (۸) استنگروم، جریمی؛ گاروی، جیمز، ۱۳۸۹ش، فیلسوفان بزرگ از سقراط تا فوکو، ترجمه ابوالفضل توکلی شاندیز، تهران، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- (۹) آقایی، کامران، ۱۳۸۸ش، مکتب های تفسیری در حقوق بر بنیاد هرمنوتیک حقوقی، تهران، نشر میزان.
- (۱۰) بابایی، پرویز، ۱۳۹۰ش، فرهنگ اصطلاحات فلسفه (انگلیسی - فارسی)، تهران، انتشارات نگاه.
- (۱۱) بست، ژان میشل، ۱۳۷۲ ش، جامعه شناسی جنایت، ترجمه فریدون وحیدا، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- (۱۲) جعفری، مجتبی، ۱۳۹۱ش، رویکرد جنبش مطالعات انتقادی حقوق به حقوق کیفری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- (۱۳) جمعی از مولفان شورای جرم زدایی اروپا، ۱۳۸۴ش، ( واحد ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی )، گزارش جرم زدایی اروپا، قم، انتشارات سلسبیل، چ ۱، ج ۱.
- (۱۴) حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۸۵ش، مجموعه کل قوانین و مقررات جزایی، تهران، گنج دانش.
- (۱۵) حسن، احب، ۱۳۸۴ ش، «از پست مدرنیسم به پست مدرنیته»، ترجمه زهرا گلپایگانی، سروش اندیشه، سال سوم، ش ۱۰.
- (۱۶) حقیقی، شاهرخ، ۱۳۹۱ ش، گذار از مدرنیته، نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا، تهران، نشر آگاه.
- (۱۷) حقیقی، شاهرخ، ۱۳۸۱ش، گذر از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا، تهران، آگاه، چ ۲.
- (۱۸) دلماس مارتی، می ری، ۱۳۸۱ش، نظام های بزرگ سیاسی جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، ج ۸.

- ۱۹) رحمانیان، منصور، ۱۳۷۸ ش، «تأثیر رسانه های گروهی بر پیشگیری از جرم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، استاد راهنما دکتر ایرج گلدوزیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- ۲۰) رفیعی، غلامرضا، ۱۳۸۱ ش، «ضرورت توسعه و تحول حقوق بین المللی فضایی در هزاره ی سوم»، گروه مطالعات حقوقی و -سیما، تهران، سروش.
- ۲۱) روسو، ژان ژاک، ۱۳۸۴ ش، قرارداد اجتماعی، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۲۲) ریفکین، جرمی، ۱۳۸۳ ش، «از مدرنیسم تا پست مدرنیسم»، ماهنامه سیاحت غرب، ش ۱۵.
- ۲۳) زمانی، سیدقاسم، ۱۳۸۱ ش، «جایگاه اصل آزادی در حقوق بین المللی»، گروه مطالعات حقوقی صدا و سیما، تهران، سروش.
- ۲۴) ساراپ، مادن، ۱۳۸۲ ش، راهنمایی مقدماتی برپسا ساختارگرایی، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران، نشر نی.
- ۲۵) ساقیان، محمد مهدی، ۱۳۹۴ ش، «اصل برابری سلاح ها در فرایند کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۶ و ۵۷.
- ۲۶) سجادی، مهدی، ۱۳۸۴ ش، «فمنیسم در اندیشه پست مدرنیسم»، مطالعات راهبردی زنان. ش ۱۳۲.
- ۲۷) شهبابی، مهدی، ۱۳۹۲ ش، «از حقوق مدرن تا حقوق پست مدرن؛ تأملی در مبانی تحول نظام حقوقی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۶۱.
- ۲۸) عبدالفتاح، عزت، ۱۳۸۱ ش، «جرم چیست و معیارهای جرم انگاری کدام است؟»، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۴۱.
- ۲۹) فرجیها، محمد، ۱۳۷۶ ش، «جنبه هایی از تأثیر یافته ها و جرم شناسی بر سیاست جنایی»، فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، ش ۱.
- ۳۰) فوکو، میشل، ۱۳۷۸ ش، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران، نشر نی.
- ۳۱) قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۹ ه ق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه: غفاری، علی اکبر و محمد جواد و صدر بلاغی، تهران، نشر صدوق، چ ۲، ج ۱.
- ۳۲) قیاسی، جلال الدین، ۱۳۸۵ ش، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۱.
- ۳۳) کاظمی، مهدی، ۱۳۹۴ ش، «پست مدرنیسم و باز-خوانی اندیشه کیفری»، رساله دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳۴) گلدوزیان، دکتر ایرج، ۱۳۹۳ ش، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، چ ۲.
- ۳۵) لچت، جان، ۱۳۹۲ ش، پنجاه متفکر بزرگ معاصر، از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی، ترجمه محسن حکیمی، تهران، نشر خجسته.
- ۳۶) مجموعه قوانین مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۵) تنظیم اداره ی کل قوانین، چاپ مجلس شورای اسلامی.
- ۳۷) موسوی مجاب، سید درید، ۱۳۸۶ ش، «جامعه شناسی جنایی، نگرشی بر نظریه های جرم شناسی»، تقریرات مقطع کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیسان قم.
- ۳۸) مهاجری، عباسعلی، ۱۳۸۸ ش، فرهنگ دوسویه علوم سیاسی، تهران، انتشارات دانشیار، چ ۲.
- ۳۹) نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ۱۳۹۲-۱۳۹۱ ش، تقریرات درس جرم شناسی (از جرم شناسی انتقادی تا جرم شناسی امنیتی)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

- (۴۰) نوذری، حسینعلی، ۱۳۸۸ش، پستِ مدرنیسم "تعاریف، نظریه ها و کار بست ها"، تهران، نقش جهان، چ ۳.
- (۴۱) نوذری، حسینعلی، ۱۳۷۹ش، صورت بندی مدرنیته و پست مدرنیته، بسترهای تکوین تاریخی و زمینه های تکامل اجتماعی، تهران، نقش جهان.
- (۴۲) نیازی، محسن؛ محمدی، محمد صدیق، ۱۳۹۳ش «چرخش گفتمان تبیین جرم، از دوره ی کلاسیک تا پست مدرنیسم»، مجله کاآگاه، ش ۲۹.
- (۴۳) نیچه، فردریش، ۱۳۸۵ش، فلسفه، معرفت و حقیقت، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، نشر هرمس.
- (۴۴) واربرتون، نایجلی، ۱۳۹۱ش، آثار کلاسیک فلسفه، ترجمه مسعود علیا، تهران، نشر ققنوس.
- (۴۵) وارد، گلن، ۱۳۹۲ش، پست مدرنیسم، ترجمه قادر فخری رنجبری و ابوذری کرمی، تهران، نشر ماهی.
- (۴۶) وایت، راب؛ هینز، فیونا، ۱۳۹۲ش، جرم و جرم شناسی، متن درسی نظریه های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۵.
- (۴۶) وبستر، فرانک، ۱۳۸۲ش، نظریه های جامعه اطلاعاتی، ترجمه مهدی داوودی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- (۴۷) ولد، جرج و دیگران ۱۳۸۰ش، جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران، انتشارات سمت.
- (۴۸) ون هام، فرانسواز، ۱۳۹۱ش، آسیب اجتماعی شناسی: رشته جدید، توسعه قلمرو جرم شناسی؟، ترجمه سیدحسین حسینی و اقبال محمدی، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه های علوم جنایی)، بنیاد حقوقی میزان، ج ۱.
- (۴۹) هیکس، استیون، ۱۳۹۱ش، تبیین پست مدرنیسم. شک گرایبی و سوسیالیسم، از روسو تا فوکو، ترجمه حسن پورسفیر، تهران، نشر ققنوس.
- (۵۰) فتیلی، صادق، قدیری، رشید، صادق نژاد، مجید، نقدی، توسعه، مریم، جرائم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس های تعزیری: بررسی کاربردی چالش ها و دستاوردها، نشریه علمی پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی دوره ۹، شماره ۱۸، بهمن ۱۴۰۰ صفحه ۲۸۱-۳۰۲.
- (۵۱) فلسفه عدالت سزاگرایی، ناظر است بر مجازات مجرمین به خاطر اینکه سزاوار آن هستند (علی صفاری، به نقل از جهاندار اکبری، مقالاتی در جرم شناسی و کیفرشناسی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۹)، ۳۶۷)
- (۵۲) اختری، عباس و حسینعلی موذن زادگان، «جایگاه حقوق بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری ۲۶(۱۳۹۸): ۲۶.
- (۵۳) عارف رشنودی و زهرا میرزایی، چالش ها و دستاوردهای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (تهران: اندیشه نوین، ۱۴۰۰)، ۳۹.
- (۵۴) رستمی، هادی و سید پویا موسوی «مصالح عالییه کودکان و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر پاسخ های تعزیرمدار»، حقوق دادگستری ۱۱۲(۱۳۹۹): ۱۱۲
- (۵۵) شیریان، نسل مریم، بابک ب، «تورم جمعیت کیفری زندان ها و نقض مقررات بین المللی حقوق بشر؛ علت ها و راهبردها»، مطالعات بین المللی ۶۷(۱۳۹۹): ۶۷
- (۵۶) پرچمی، داود و فاطمه درخشان، «بررسی مجازات اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم»، مطالعات جامعه شناسی ۴۰(۱۳۹۷): ۴۰

منابع لاتین

50. Becker- Howard (1963) outsiders: studies in the sociology of Deviance, New York: free/press.
51. Beown, Sheila (2005), understanding youth and crime. Open unicerdity press, Mc Craw-Hill education.
52. Carrington, K. (1998). "Postmodernism and Feminist Criminologies: Fragmenting the Criminological Subject". 53. in The New Criminology Revisited. Walton, P. & Young, J. (eds.). London: Macmillan.
54. Cohen, eds., Punishment and Social Control. New York: Aldine De Gruyter.
55. Cowling, Mark (2006), Postmodern Policies? 4-The Erratic Interventions of Constitutive Criminology ww.Internet Journal of Criminology.
56. Druzin, B (2012) Finding Footing in a Postmodern Conception of Law, Postmodern Openings, Volume 3, Issue 1, March.
57. Garland, D. (1995), 'Penal Modernism and Post-Modernism', in Thomas G. Blomberg and Stanely
58. Henry Stuart and Milovanovic, Dragan (2000), Constitutive Criminology: Origins,Core Concepts, and Evaluation, Social Justice Vol. 27, No. 2
59. Henry, S. (2009). Social constution of crime. in: 21<sup>st</sup> Century Criminology, edited by j. Mitchell Miller. Sage.
60. Kiely, Ray (1995), Sociology and Development: The Impasse and Beyon London: UCL Press.
- Lanier, M.M, & Henry,S.(2004). Essential criminology ,2nd ed. Boulder CO: Westview Press.
61. Longstreet, W.S.(2003).Early postmodernism in social education: Revisiting "Decision making: The heart of
- Mathiesen, Thomas (1990), Prison on Trial A Critical Assessme, london sage.
62. Milovanovic 1997 Milovanovic, Dragan (1997), Postmodern criminology, Garland Publishing
- Milovanovic,D. (2007). Legalistic definition of crime.
63. Morrison, Warne (1995), Theoretical criminology: from Modernity to Postmodernism, Cavendish publishing limited, Routledge-Cavendish;1 Edition
64. Norris, Clive and Michael Mccahill (2006), CCTV: Beyond Penal Modernism?, British Journal of Criminology,vol 46.
66. Schur, Edvin (1971), Labeling Deviant Behavior: its sociological implicatios, New York, Harper and row.
67. Simon, Jonathan And Malcolm Feeley (1995), True Crime: The New Penology and Public Discourse on 68. 69. Crime', in Thomas G. Blomberg and Stanley Cohen, eds., Punishment and Social Control,. New York: Aldine De Gruyter.

## Evaluation of articles of the Islamic Penal Code and the Criminal Procedure Code approved in 2013 with postmodern criminological criteria

Mohsen Rezaei

---

### Abstract:

**Background and Purpose;** The course of theoretical approaches in the explanation of crime in the historical scope indicates the variety of perceptions of the concept of crime. In the 1980s, in the light of the thought of the French and German philosophers of the postmodern movement, with a new reading of the concept of crime in criminal law, crime is mainly created by the ruling political and cultural system and by criticizing the inefficiency of modern criminal law, rejecting scientific and rational etiology. The legal, material and spiritual elements of the crime provided a different evaluation of the concept of the crime. The most important questions in this field, rereading the concept of crime in the framework and based on postmodern presuppositions and ideas, how does it draw a picture of crime? What are the most important postmodern theoretical paradigms in the field of crime study? If there is a crime, what is the basis for dividing and dividing them into misdemeanors, crimes, and violations? The legal definition of crime does not explain why certain types of behavior are considered criminal and declared punishable by law, while similar and even equal behaviors are considered non-criminal and therefore unpunishable. To what extent does the concept of crime in postmodern thinking differ and have commonalities with the standards of criminalization in the Islamic Penal Code?

**research method;** The collected materials are based on library studies, data collection, and information analysis. The use of treatises and research articles and legal books in this field has also been widely used.

**research findings;** The findings of the research confirm that the post-modern criminal law has many similarities and differences with the articles of the Islamic Penal Code approved in 2013, which are evaluated in this research. The result of the postmodernist reading of crime in the light of the components of power, mentality, discourse and the negation of meta-narratives, despite its strangeness and difficulty, in terms of criticizing the performance of the institutions of the criminal justice system and the fundamental concepts of criminal law, is very important for the discourse of crime; Because all our orientations in criminal law are in the type of definition we provide of crime. The range of criminal law witnesses various readings of criminal concepts, including classical, modern and postmodern readings. The difference between postmodern reading and other readings is that it is subjective, relative, plural, fragmented and depending on time and place; While other readings have an objective, rational, inherent and natural approach. Therefore, there is no inherent truth in criminal concepts in postmodern reading; Rather, the concept of crime is considered merely a political, social or linguistic and media artifact. The findings showed that Iran's Islamic Penal Code has a long distance with post-modern criminology, because most of the articles of the Islamic Penal Code are based on the narration of the holy law and Sharia. The findings showed that "hadd", "retribution" and "dieh" are the most distinguished and "punishment" is the most consistent with post-modern criminology. In the crimes subject to limits, retribution and ransom, because it is explicitly emphasized in the Sharia law and is non-temporary and unchangeable, and it

is towards centralism, absolutism and objectivism, as a result, with a completely inferior attitude. Modernity is contradictory.

**Keywords:** crime, postmodern, criminal procedure, Islamic Penal Code

---